DOCUMENT RESUME

ED 165 852 FL 011 343

TITLE	Persian Basic Course: Volume IV, Lessons 39-52.
INSTITUTION	Defense Language Inst., Monterey, Calif.
REPORT NO	PF0011S
PUB DATE	Mar 65
NOTE	164p.; For related documents, see FL 011 338-350.
AVAILABLE FROM	Defense Language Institute, Foreign Language Center, Nonresident Division, Presidio of Monterey, CA 93940 ($2.80, accompanying cassettes $9.60)
LANGUAGE	English; Persian
EDRS PRICE	MF01/PC07 Plus Postage.
DESCRIPTORS	*Audiolingual Methods; Communicative Competence (Languages); *Dialogs (Language); *Grammar; Instructional Materials; *Intensive Language Courses; Language Usage; Listening Comprehension; Pattern Drills (Language); *Persian; Reading Comprehension; *Second Language Instruction; Standard Spoken Usage; Vocabulary Development; Writing Skills

ABSTRACT

The fourth of 10 volumes of a basic course in Persian is presented that is designed for use in the Defense Language Institute's intensive programs for native English speakers. The central feature of the daily lesson is the structured dialogue, which systematically incorporates a number of grammatical features. Grammar is not explained through conventional explanations or discussions. After students perceive the morphological changes through intensive oral usage and class drill, they gain additional practice by after-class reading. The following sequence of text material is followed: (1) grammar perception drills using the familiar and known vocabulary to introduce the new morphological patterns; (2) daily dialogue involving new morphological patterns and new vocabulary; (3) dialogue translation into English; (4) grammar analysis, which exemplifies the structural patterns in a very simple language; (5) grammar drills; (6) a Persian narrative and questions; (7) oral and written homework; and (8) vocabulary lists. Tapes accompany the text. (SW)

****
* Reproductions supplied by EDRS are the best that can be made *
* from the original document. *
****

PF 0011 S

U S DEPARTMENT OF HEALTH, EDUCATION & WELFARE NATIONAL INSTITUTE OF EDUCATION

THIS DOCUMENT HAS BEEN REPRODUCED EXACTLY AS RECEIVED FROM THE PERSON OR ORGANIZATION ORIGINATING IT. POINTS OF VIEW OR OPINIONS STATED DO NOT NECESSARILY REPRESENT OFFICIAL NATIONAL INSTITUTE OF EDUCATION POSITION OR POLICY.

"PERMISSION TO REPRODUCE THIS MATERIAL HAS BEEN GRANTED BY

D4

TO THE EDUCATIONAL RESOURCES INFORMATION CENTER (ERIC)."

ED185852

FL 011 343

P E R S I A N

Basic Course

Volume IV

Lessons 39-52

March 1965

DEFENSE LANGUAGE INSTITUTE

I PRINTED MARCH 1965
I REPRINTED JULY 1967
I REPRINTED JULY 1970
I REPRINTED MAY 1976
I REPRINTED OCTOBER 1978

THIS PUBLICATION IS TO BE USED PRIMARILY IN SUPPORT OF TRAINING MILITARY PERSONNEL AS PART OF THE DEFENSE LANGUAGE PROGRAM (RESIDENT AND NONRESIDENT). INQUIRIES CONCERNING THE USE OF THE MATERIALS, INCLUDING REQUESTS FOR COPIES, SHOULD BE ADDRESSED TO:

DEFENSE LANGUAGE INSTITUTE
FOREIGN LANGUAGE CENTER
NONRESIDENT INSTRUCTION DIVISION
PRESIDIO OF MONTEREY, CA 93940

TOPICS IN THE AREAS OF POLITICS, INTERNATIONAL RELATIONS, MORES, ETC., WHICH MAY BE CONSIDERED AS CONTROVERSIAL FROM SOME POINTS OF VIEW ARE SOMETIMES INCLUDED IN LANGUAGE TRAINING FOR DLIFLC STUDENTS, SINCE MILITARY PERSONNEL MAY FIND THEMSELVES IN POSITIONS WHERE CLEAR UNDERSTANDING OF CONVERSATIONS OR WRITTEN MATERIAL OF THIS NATURE WILL BE ESSENTIAL TO THEIR MISSION. THE PRESENCE OF CONTROVERSIAL STATEMENTS--WHETHER REAL OR APPARENT--IN DLIFLC MATERIALS SHOULD NOT BE CONSTRUED AS REPRESENTING THE OPINIONS OF THE WRITERS, OF THE DEFENSE LANGUAGE INSTITUTE, OR OF THE DEPARTMENT OF DEFENSE.

PREFACE

The Persian Course, consisting of 124 lessons in 10 volumes, is one of the Defense Language Institute's Basic Course Series. The material was developed at the Defense Language Institute and approved for publication by the Institute's Curriculum Development Board.

The course is designed to train native English language speakers to Level 3 proficiency in comprehension and speaking and Level 2 proficiency in reading and writing Persian. The texts are intended for classroom use in the Defense Language Institute's intensive programs. Tapes accompany the texts.

LESSON THIRTY-NINE

PERCEPTION DRILL THIRTY-NINE

صبحها چه ساعتی پا میشوید ؟
آیا او صبحها ساعت هفت پا میشود ؟
آیا برادر شما ساعت شش صبح از خواب پا میشود ؟

آیا سربازان هر روز صبح ورزش می کنند ؟
آیا شما بعد از ورزش کردن صبحانه میخورید ؟
کی هر روز پانزده دقیقه ورزش می کند ؟

آیا بعد از ورزش حمام میگیرید ؟
شاگردان چه ساعتی حمام میگیرند ؟
کی همیشه شب ها حمام میگیرد ؟

چه نوع تیغی مصرف میکنید ؟
چه نوع صابونی مصرف میکنید ؟
او برای نوشتن مداد مصرف میکند ؟

بعد از حمام گرفتن با چه چیز خودتان را خشک میکنید ؟
او دستش را با چه خشک می کند ؟
شما صورتتان را با چه خشک می کنید ؟

کی سرتان را شانه میکنید ؟
آیا آن شاگرد سرش را شانه می کند ؟
در حمام سرتان را شانه میکنید یا در اطاق خواب ؟

CARTOON THIRTY-NINE

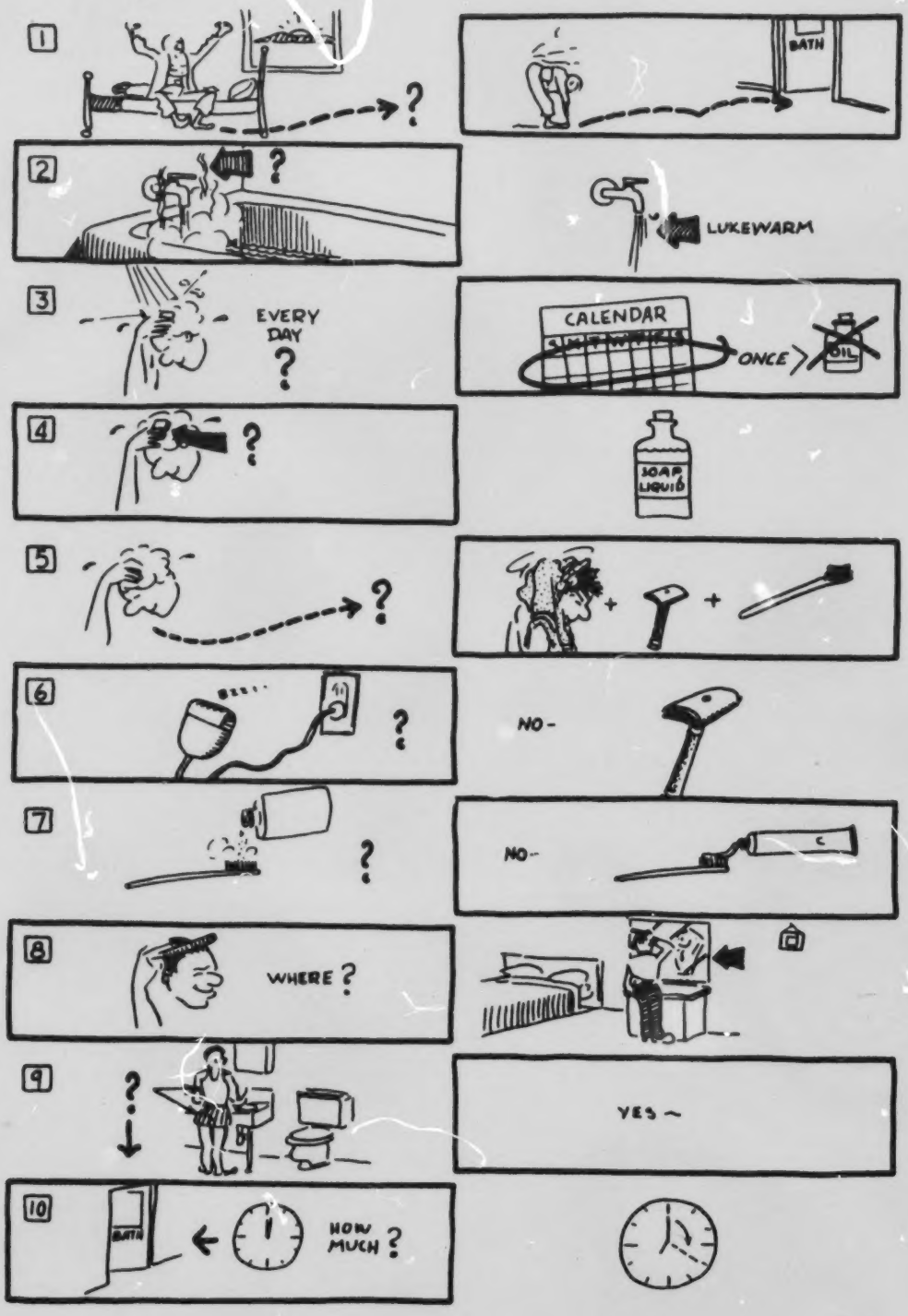

DIALOGUE THIRTY-NINE

۱ــ صبحها وقتی از خواب پا میشوید چه میکنید ؟
کمی ورزش میکنم و بعد به مستراح و حمام میروم .

۲ــ همیشه با آب داغ حمام میگیرید ؟
نه، بیشتر با آب نیم گرم حمام میگیرم .

۳ــ سرتان را هم هر روز میشوئید ؟
نه، هفته ای یکبار میشویم چون موهایم زیاد چرب نیست .

٤ــ برای شستن سرتان چه شامپوئی مصرف میکنید ؟
برای شستن سرم شامپوی مایع مصرف میکنم .

٥ــ بعد از شستن موهایتان چه میکنید ؟
ریش میتراشم و دندانهایم را مسواک میزنم .

٦ــ با ریش تراش برقی صورتتان را میتراشید ؟
نه با تیغ صورتم را میتراشم .

۷ــ برای شستن دندانتان گرد دندان مصرف میکنید ؟
نه، معمولا خمیر دندان مصرف میکنم .

۸ــ مویتان را کجا شانه میکنید ؟
معمولا در اطاق خواب، چون در آنجا آینه بزرگی داریم .

۹ــ لباس زیرتان را در حمام میپوشید؟
بله، بیشتر اوقات در حمام میپوشم .

۱۰ــ رویهمرفته چقدر برای این کارها وقت صرف میکنید ؟
در حدود بیست دقیقه وقت صرف میکنم .

D I A L O G U E T H I R T Y - N I N E

Translation

1. What do you do when you get up in the morning?

   I exercise a little, and then go to the (toilet) and bathroom.

2. Do you always take a bath with hot water?

   No, most of the time I take a bath with lukewarm water.

3. Do you also wash your hair (head)everyday?

   No, I wash it once a week because my hair isn't very oily.

4. What kind of shampoo do you use for washing your hair?

   I use liquid shampoo for washing my hair.

5. After washing your hair, what do you do?

   I shave, and brush my teeth.

6. Do you shave (your face) with an electric razor?

   No, I shave (my face) with a blade razor.

7. Do you use tooth powder in brushing your teeth?

   No, usually I use tooth paste.

8. Where do you comb your hair?

   Usually in the bedroom, because we have a large mirror there.

9. Do you put on your underwear in the bathroom?

   Yes, most of the time I put them on in the bathroom.

10. Altogether, how much time do you spend for these activities?

    I spend about 20 minutes.

GRAMMAR DRILL THIRTY-NINE

۱ــ وقتی درس جواب میدهید از جایتان پا میشوید ؟
۲ــ وقتی از خواب پا میشوید به مستراح میروید ؟
۳ــ با آب داغ ریش میتراشید ؟
٤ــ کی با آب نیم گرم حمام میگیرد ؟
٥ــ آن شاگرد سرش را میشوید ؟
٦ــ موهای شما زیاد چرب میشود ؟
۷ــ وقتی موهایتان چرب و کثیف میشود چه میکنید ؟
۸ــ دست های من کثیف است؟
۹ــ وقتی دستتان کثیف میشود چه میکنید ؟
۱۰ــ برای شستن مو صابون بهتر است یا شامپو ؟
۱۱ــ چند حوله در حمّامتان هست؟
۱۲ــ بعد از حمّام گرفتن چه میکنید ؟
۱۳ــ شما ریش تراش برقی دارید ؟
۱٤ــ کی با ریش تراش برقی ریشش را میتراشد ؟
۱٥ــ شما گرد دندان مصرف می کنید یا خمیر دندان؟
۱٦ــ روزی چند بار دندانتان را مسواک میزنید ؟
۱۷ــ موهایتان را در حمّام شانه میکنید یا در اطاق خواب؟
۱۸ــ او بیشتر از شما کار میکند ؟
۱۹ــ شما بیشتر از دوستتان کار میکنید ؟
۲۰ــ صبحها حمّام میگیرید یا شبها؟ بیشتر صبحها حمام میگیرم.
۲۱ــ شبها در منزل چه میکنید ؟
۲۲ــ شبها بیشتر در منزل میمانید ؟
۲۳ــ چند زیر شلواری و زیر پیراهنی خرید ید ؟
۲٤ــ برای نوشتن تکلیفتان چقدر وقت صرف میکنید ؟
۲٥ــ برای لباس پوشیدن چقدر وقت صرف میکنید ؟

GRAMMAR DRILL THIRTY-NINE

۲۶ـ سوپ هنوز داغ است؟

۲۷ـ چائی داغ دوست دارید ؟

۲۸ـ او با آب نیم گرم حمام میگیرد ؟

۲۹ـ غذای چرب دوست دارید ؟

۳۰ـ او غذای چرب دوست ندارد ؟

۳۱ـ با گرد دندان دندانتان را میشوئید ؟

۳۲ـ ایشان چه گرد دندانی مصرف میکنند ؟

۳۳ـ روزی چند دفعه مو هایتان را شانه میکنید ؟

۳۴ـ او صبحها سرش را شانه میکند ؟

۳۵ـ شما گی سرتان را شانه کرده اید ؟

۳۶ـ او چند لباس زیر خریده است؟

۳۷ـ بچه وسیله ای بمنزل رفتید ؟

۳۸ـ دوستتان بچه وسیله ای بمدرسه آمد ؟

۳۹ـ برای رفتن بمنزل وسیله دارید ؟

۴۰ـ برای حاضر کردن درستان شبی چند ساعت وقت صرف میکنید ؟

۴۱ـ برای درست کردن صبحانه چقدر وقت صرف کردید ؟

۴۲ـ برای لباس پوشیدن زیاد وقت صرف میکنید ؟

۴۳ـ دیشب کجا شام صرف کردید ؟

۴۴ـ معمولاً در منزل شام صرف میکنید ؟

۴۵ـ او در رستوران "کارمل" شام صرف کرد ؟

۴۶ـ دیروز کجا نهار صرف کردید ؟

۴۷ـ شبها تمام وقتتان صرف درس خواندن میشود ؟

۴۸ـ برای نوشتن این کتاب زیاد وقت صرف شده است ؟

۴۹ـ چقدر از وقتتان صرف خواندن میشود ؟

۵۰ـ چقدر از وقتتان صرف درست کردن صبحانه میشود ؟

سروان یزدی هر روز صبح ساعت هشت پا میشود. کمی ورزش میکند. بعد به
مستراح و حمام میرود و با آب داغ حمام میگیرد. او همیشه سرش را با صابون مایع
میشوید، ولی فقط هفته ای یک بار سرش را میشوید. بعد از حمام کرفتن خودش را
با حوله خشک میکند و بعد با ریش تراش برقی صورتش را میتراشد. بعد از
تراشیدن ریش دندانش را با مسواک و خمیر دندان مسواک میزند و موهایش
را در جلوی آینه شانه میکند.

بعد از شانه کردن مو، زیر پیراهنی و زیر شلواری و لباسهایش را میپوشد و
بمدرسه میرود.

READING THIRTY-NINE

Questions on reading:

۱ــ سروان یزدی صبحها چه میکند ؟

۲ــ او صبحها ورزش میکند ؟

۳ــ بعد از ورزش چه میکند ؟

٤ــ او با آب نیم گرم حمام میگیرد ؟

٥ــ سرش را با چه میشوید ؟

٦ــ هفته ای چند بار سرش را میشوید ؟

۷ــ او تیغ مصرف میکند یا ریش تراش برقی ؟

۸ــ او خمیر دندان مصرف میکند یا گرد دندان ؟

۹ــ موهایش را کجا شانه میکند ؟

۱۰ــ بعد از شانه کردن موهایش چه میکند ؟

HOMEWORK THIRTY-NINE

Read the following sentences carefully and change the verbs into negative.

Example:

من کتابهایم را بمنزل بردم .
من کتابهایم را بمنزل نبردم .

۱ ـ من صبحها ساعت هشت بمدرسه میروم .

۲ ـ من برای سرماخوردگی ام آسپرین خورده ام .

۳ ـ من سر ساعت شش بمنزلم برمیگردم .

٤ ـ من همیشه در کارهایم عجله میکنم .

٥ ـ او درسهایش را حاضر کرد .

٦ ـ او فورا بمنزلش برگشت .

۷ ـ او برای دل دردش پیش دکتر خواهد رفت .

۸ ـ آن شاگرد برای خودش لباس زمستانی خریده است .

VOCABULARY THIRTY-NINE

از خواب پا شدن ، پا شدن	to get up
ساعت شش از خواب پا شدم	I got up at six o'clock.
داغ	hot
نیم گرم	lukewarm
سر	head
شُستَن(سر)	to wash hair
چرب	oily
مُستَراح	toilet
گرد دندان	tooth powder
شانه کردن	to comb
پیراهن زیر	underwear
زیر شلواری	undershorts
صَرف کردن	to spend
برای آن کار وقت زیادی صَرف کردم	I spent much time on that work.
صَرف کردن	to comsume: take(eat or drink)
در رستوران کارمل شام صرف کردم	I ate my dinner at Carmel Resturant.
صَرف شدن	to be spent or consumed to be taken (as a meal)
وَسیله	means
بیشتَر از	more than
بیشتَر	mostly, most of the time
بیشتر با آب گرم حمام میگیرم	I take a bath with lekewarm water, most of the time
دَستهایم کَثیف است	my hands are dirty
کَثیف شُدَن، کَثیف	to get dirty, dirty

LESSON FORTY

پاکردن

من جورابم را پایم میکنم .
تو جورابت را پایت میکنی .
او جورابش را پایش میکند .

ما جورابمان را پایمان میکنیم .
شما جورابتان را پایتان میکنید .
ایشان جورابشان را پایشان میکنند .

****

من هر روز کفشم را برس میزنم .
شما دیروز کفشتان را برس زدید ؟
آن شاگرد فردا کفشش را برس میزند ؟

****

من اصلاً چای دوست ندارم .
او آن اتومبیل را اصلاً دوست ندارد .
من آن خانم را اصلاً دوست ندارم .

CARTOON FORTY

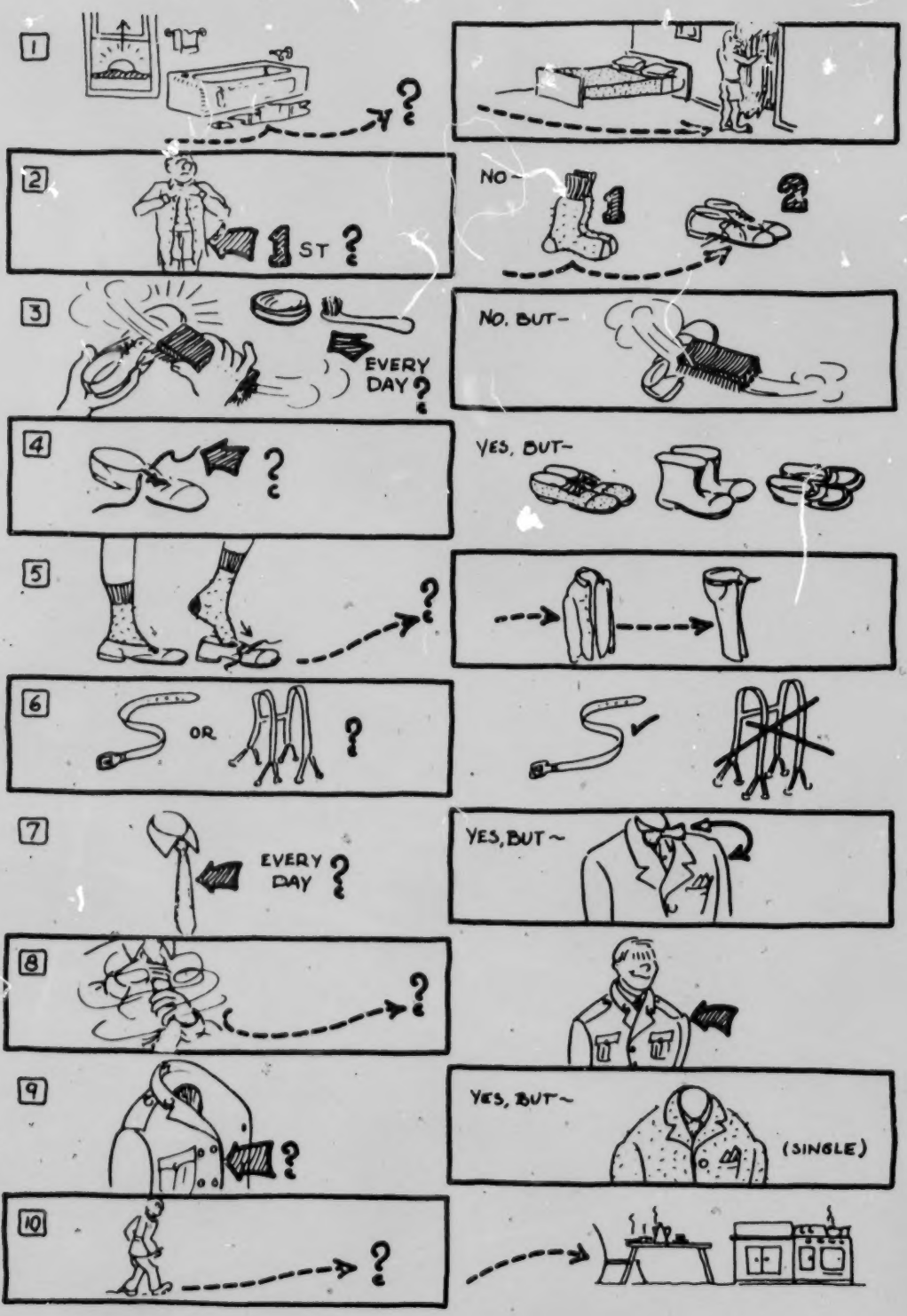

DIALOGUE FORTY

۱ــ صبحها پس‌از اینکه حمام میگیرید چه میکنید ؟
به اطاق خوابم میروم و لباس‌میپوشم .

۲ــ اول پیراهنتان را میپوشید ؟
نه اول جورابم را پایم میکنم و بعدکفشهایم را می پوشم .

۳ــ هر روز کفشهایتان را واکس میزنید ؟
نه ، ولی هر روز آنها را برس‌میزنم .

٤ــ تمام کفشهایتان بند دارند ؟
بجز یك جفت از آنها همه بند دارند .

٥ــ بعد از اینکه کفشهایتان را پایتان کردید چه میکنید ؟
پیراهن و شلوارم را میپوشم .

٦ــ کمر بند می بندید یا بند شلوار ؟
همیشه کمر بند میبندم ، بند شلوار اصلاً دوست ندارم .

۷ــ با لباس‌نظامی کراوات میزنید ؟
بله ، ولی هر وقت لباس‌شخصی میپوشم پاپیون میزنم .

۸ــ بعد از اینکه کراوات زدید چه میکنید ؟
لباس‌نظامیم را میپوشم .

۹ــ کت نظامی شما دو طرفه است ؟
بله ولی کت شخصی ام جلو گرد است .

۱۰ــ بعد از اینکه لباس پوشیدید چه میکنید ؟
برای‌خوردن ناشتائی به آشپزخانه میروم .

DIALOGUE FORTY

Translation

1. What do you do in the morning after you take a bath?

   I go to my bedroom and put on my clothes.

2. Do you put on your shirt first?

   No. First I put on my socks, and then I put on my shoes.

3. Do you shine your shoes everyday?

   No. But I brush them everyday.

4. Do all your shoes have shoelaces?

   Yes, except for one pair they all have shoelaces.

5. After putting on your shoes what do you do?

   I put on my shirt and trousers.

6. Do you wear a belt or suspenders?

   I always wear a belt because I don't like suspenders at all.

7. Do you wear a tie with your uniform?

   Yes. But when I put on civilian clothes I wear a bow tie.

8. What do you do after you tie your tie?

   I put on my uniform.

9. Is your uniform double-breasted?

   Yes. But my civilian jacket is single-breasted.

10. What do you do after you put on your clothes?

    I go to the kitchen for breakfast.

۱ــ جوراب شما چه رنگ است ؟
۲ــ چند جفت جوراب دارید ؟
۳ــ امروز جوراب سیاه پوشیده اید ؟
٤ــ امروز جوراب سیاه پایتان کرده اید ؟
٥ــ کفشتان بند دارد یا نه ؟
٦ــ کفش دوستتان هم بند دارد ؟
۷ــ بند کفش شما باز است یا بسته ؟
۸ــ کفشتان را برس زده اید ؟
۹ــ دیروز کفشتان را واکس زدید ؟
۱۰ــ هر روز کراوات میزنید ؟
۱۱ــ دوستتان همیشه کراوات میزند ؟
۱۲ــ بیشتر کراوات میزنید یا پاپیون ؟
۱۳ــ پاپیون بیشتر دوست دارید یا کراوات ؟
۱٤ــ کمر بند بیشتر دوست دارید یا بند شلوار ؟
۱٥ــ بنظر شما کمر بند راحت تر از بند شلوار است ؟
۱٦ــ پاپیون شما قشنگ تر از پاپیون دوستتان است ؟
۱۷ــ کت نظامی شما دو طرفه است ؟
۱۸ــ تمام کت های نظامی شما دو طرفه است ؟
۱۹ــ تمام کفشهای شما سیاه است ؟
۲۰ــ شما سنجاق کراوات دارید ؟
۲۱ــ سنجاق کراواتتان را از کجا خریده اید ؟
۲۲ــ کی بشما این سنجاق کراوات را داده است ؟
۲۳ــ کی همیشه سنجاق کراوات میزند ؟
۲٤ــ در این اطاق میز گرد داریم ؟
۲٥ــ میز غذا خوری شما گرد است ؟

GRAMMAR DRILL FORTY

۲۶ـ کت شما جلو گرد است ؟
۲۷ـ کت دو طرفه بیشتر دوست دارید یا جلو گرد ؟
۲۸ـ شما دکمه سر دست دارید ؟
۲۹ـ با پیراهن سفید دکمه سر دست میزنید ؟
۳۰ـ با لباس شخصی دکمه سر دست میزنید ؟
۳۱ـ او کدام دکمه سر دستش را زده است ؟
۳۲ـ تمام کت های شما دو طرفه است ؟
۳۳ـ تمام کفش هایتان بند دارد ؟
۳۴ـ روزی چند بار کفشتان را برس میزنید ؟
۳۵ـ صبحها موهایتان را برس میزنید ؟
۳۶ـ کی اصلاً موهایش را برس نمیزند ؟
۳۷ـ ایشان کفششان را واکس زده اند ؟
۳۸ـ کت نظامی شما جلو گرد است ؟
۳۹ـ کت شخصی او جلو گرد است ؟
۴۰ـ شما کت شخصی دو طرفه دارید ؟
۴۱ـ کت جلو گرد بیشتر دوست دارید یا دو طرفه ؟
۴۲ـ بعد از آنکه حمام گرفتید چه میکنید ؟
۴۳ـ پس از آنکه حمام گرفتید چه میکنید ؟
۴۴ـ پس از اینکه جوراب پایتان کردید چه میکنید ؟
۴۵ـ پس از اینکه کفش پایتان کردید چه میکنید ؟
۴۶ـ معمولا اول جوراب پایتان میکنید ؟
۴۷ـ او جورابش را پایش کرده است ؟
۴۸ـ او کفشش را پایش کرده است ؟
۴۹ـ او جورابش را پوشیده است ؟
۵۰ـ او اصلاً جوراب نپوشیده است ؟

من هر روز بعد از اینکه حمام میگیرم خودم را با حوله خشک میکنم . با طاق خواب میروم و لباس میپوشم. کفش و جورابم را پایم میکنم . دو جفت از کفشهایم بند دارند و دو جفت از آنها بند ندارند . هر روز کفشهایم را برس میزنم و هفته ای دو مرتبه آنها را واکس میزنم . روز هائیکه بمدرسه میروم لباس نظامی و روزهای تعطیل لباس شخصی میپوشم.

با لباس شخصی پیراهن سفید میپوشم و کراوات میزنم . چون سردستهای پیراهن سفیدم دکمه ندارند همیشه دکمه سردست میزنم ولی هیچوقت سنجاق کراوات نمیزنم چون اصلاً از سنجاق کراوات خوشم نمیآید .

READING FORTY

Questions on reading:

۱ ـ من در کجا لباس‌میپوشم ؟

۲ ـ چند جفت از کفشهای من بند دارند ؟

۳ ـ من هر روز کفشهایم را برس‌میزنم ؟

٤ ـ هفته ای چند دفعه آنها را واکس‌میزنم ؟

٥ ـ روزهای تعطیل چه لباسی میپوشم ؟

٦ ـ روزهائی که بمدرسه میروم چه لباسی میپوشم ؟

۷ ـ چرا با پیراهن سفید دکمه سر دست‌میزنم ؟

۸ ـ چرا سنجاق کراوات نمیزنم ؟

۹ ـ با لباس‌شخصی کراوات میزنم ؟

۱۰ ـ موضوع این درس چیست ؟

HOMEWORK FORTY

Read each of the following sentences carefully and change all the verbs into the appropriate form of the subjunctive mode.

Example:

من هر روز بمدرسه میروم .
من باید هر روز بمدرسه بروم .

۱ ـ ما در رستوران کارمل شام صرف میکنیم .

۲ ـ برای نوشتن تکلیفش یك ساعت وقت صرف میکند .

۳ ـ سرهنگ تهرانی تا ساعت هشت کار میکند .

٤ ـ آن بچه دستهای کثیفش را میشوید .

٥ ـ من بیشتر از دو بار موهایم را میشویم .

٦ ـ دوست من برای شستن دندانهایش گرد دندان مصرف میکند .

۷ ـ سروان اکبری ساعت شش از خواب پا میشود .

۸ ـ ما هر شب سه ساعت درس میخوانیم .

VOCABULARY FORTY

بَعد اَز اینکه	after
بَعد اَز آنکه	
پَس‌از اینکه	
پَس‌از آنکه	
پا کَردَن	to wear, to put on (the feet)
کَفشَم را پایم میکُنَم	I put on my shoes
جورابَم را پایم میکُنَم	I put on my sox
بُرُس	brush
بُرس‌زَدَن	to brush
بَند (کفش)	shoe lace
بَندِ کفش‌بَستَن	to tie shoe lace
تَمام	all
اَصلاً	at all
من اَصلاً چائی دوست ندارم	I don't like tea at all
هَر وَقت	any time, every time
گِرد	round
میز گِرد است	the table is round
جلو گِرد (کت)	single breasted
دو طَرَفه (کت)	double breasted
ناشتائی	breakfast
دُکمه سَر دَست	cufflinks
سَنجاقِ کِراوات	tie pin

LESSON FORTY-ONE

ریختن (ریز)

من در قهوه ام شکر میریزم .

شما در قهوه تان شکر میریزید ؟

او در چائی‌اش شکر ریخت ؟

شما میخواهید در قهوه تان شکر بریزید ؟

*

فرقی نمیکند

چای میل دارید یا قهوه ؟

فرقی نمیکند هر کدام که حاضر باشد .

چای بیشتر دوست دارید یا قهوه ؟

فرقی نمیکند هر دو را دوست دارم .

امروز میخواهید به سینما برویم یا فردا ؟

فرقی نمیکند هر روز که شما وقت داشته باشید .

*

من گاهی اوقات به سینما میروم .

کی گاهی اوقات به کتابخانه میرود ؟

آیا آن افسر گاهی اوقات سیگار میکشد ؟

*

من بعضی وقتها چای میخورم بعضی وقتها قهوه .

او بعضی وقتها در مدرسه صبحانه میخورد .

آن افسر بعضی وقتها پیاده بمدرسه میآید .

CARTOON FORTY-ONE

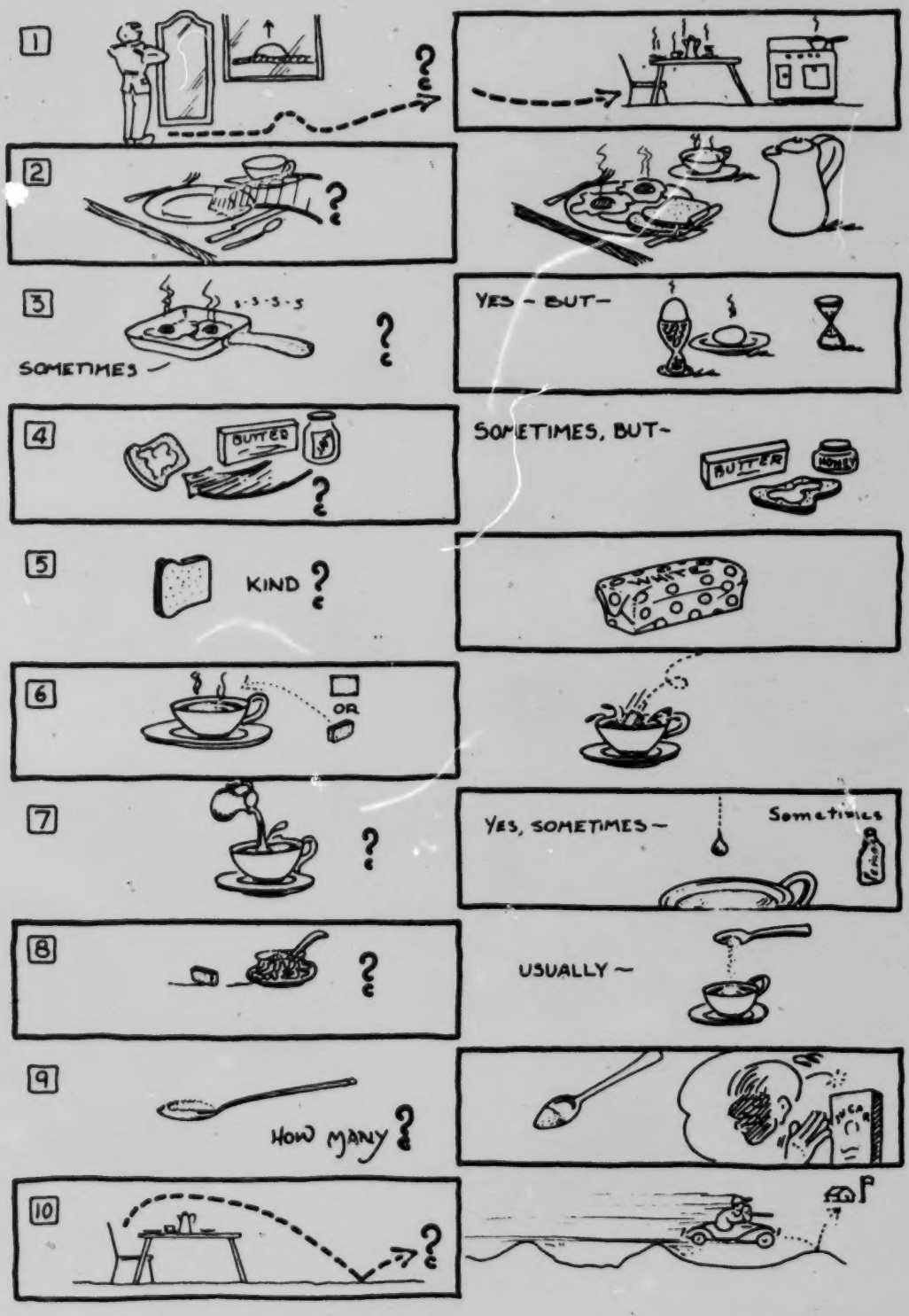

DIALOGUE FORTY-ONE

۱ ــ صبحها پس‌از اینکه لباس می پوشید چه میکنید ؟
برای خوردن ناشتائی به آشپزخانه میروم .

۲ ــ معمولا برای ناشتائی چه میخورید ؟
دو تخم مرغ ، دو تکه نان و یك فنجان چای .

۳ ــ تخم مرغ نیمرو میخورید ؟
گاهی اوقات ، ولی بیشتر تخم مرغ عسلی میخورم .

٤ ــ با نانتان کره و مربا میخورید ؟
بله گاهی اوقات ، ولی بیشتر کره و عسل میخورم .

٥ ــ معمولا چه جور نانی میخورید ؟
معمولا نان سفید میخورم .

٦ ــ با ناشتائی چای شیرین میخورید یا تلخ ؟
بیشتر چای شیرین میخورم .

۷ ــ لابد کرم هم در چایتان میریزید ؟
بعضی وقتها کرم میریزم بعضی وقتها آبلیمو .

۸ ــ راستی ، چای را با قند میخورید یا با شکر ؟
فرقی نمیکند ، اما بیشتر با شکر میخورم .

۹ ــ چند قاشق شکر در چای میریزید ؟
نصف قاشق ، چون شکر زیاد برای من خوب نیست .

۱۰ ــ بعد از خوردن ناشتائی چه میکنید ؟
سوار اتومبیل میشوم و بدرسه میروم .

D I A L O G U E F O R T Y - O N E

Translation

1. What do you do after you put on your clothes in the morning?
   I go to the kitchen to eat breakfast.
2. What do you usually eat for breakfast ?
   Two eggs, two slices of bread and a cup of tea.
3. Do you eat fried eggs ?
   Sometimes, but most of the time I eat soft boiled eggs.
4. Do you eat your bread with butter and jam?
   Yes, sometimes. But most of the time I eat butter and honey with bread.
5. What kind of bread do you usually eat?
   I usually eat white bread.
6. For breakfast do you drink your tea with or without sugar?
   Most of the time I drink tea with sugar.
7. I presume you also take cream with your tea (pour cream in) ?
   Sometimes I take (pour) cream, sometimes lemon with my tea.
8. By the way, do you drink tea with lump or granulated sugar ?
   It makes no difference, but usually I drink it with granulated sugar.
9. How many spoons of sugar do you use (pour) in your tea ?
   Half a spoon, because too much sugar is not good for me.
10. What do you do after eating breakfast ?
    I get into my car and go to scool.

GRAMMAR DRILL FORTY-ONE

۱ ــ با صبحانه چند تکه نان میخورید ؟

۲ ــ روزی چند تخم مرغ نیمرو میخورید ؟

۳ ــ تخم مرغ نیمرو بیشتر دوست دارید یا تخم مرغ عسلی ؟

٤ ــ صبح ها کره و مربا میخورید ؟

٥ ــ مربا بیشتر میخورید یا عسل ؟

٦ ــ او عسل را بیشتر از مربا دوست دارد ؟

۷ ــ چه جور مربائی دوست دارید ؟

۸ ــ لابد خانمتان مربا خوب میپزد ؟ *

۹ ــ خانمتان چه جور مربائی پخته است ؟

۱۰ ــ کی میتواند مربا بپزد ؟

۱۱ ــ معلم ها همیشه قهوه شیرین میخورند ؟

۱۲ ــ قهوه شیرین خوشمزه تر است یا قهوه تلخ ؟

۱۳ ــ چرا قهوه شیرین خوشمزه تر است ؟

۱٤ ــ کی آبلیمو در چائی اش میخورد ؟

۱٥ ــ چقدر آبلیمو در چائی تان میریزید ؟

۱٦ ــ چای را با آبلیمو میخورید یا با کرم ؟

۱۷ ــ صبحها چای و نان و کره و مربا میخورید ؟

۱۸ ــ کی گاهی اوقات کرم در قهوه اش میریزد ؟

۱۹ ــ شما بعضی وقتها قهوه تلخ میخورید ؟

۲۰ ــ ایشان بعضی وقتها چای را با آبلیمو میخورند ؟

۲۱ ــ کی فقط نصف قاشق شکر در قهوه اش میریزد ؟

۲۲ ــ شما چای کم رنگ دوست دارید ؟

۲۳ ــ چای کم رنگ خوشمزه تر است یا چای پر رنگ ؟

۲٤ ــ معمولا قهوه تان را با قند میخورید یا با شکر ؟ فرقی نمیکند ؟

۲٥ ــ هر روز صبح چه ساعتی سوار اتومبیلتان میشوید ؟

* کلمه "لابد" در چند جمله دیگر هم تمرین شود .

GRAMMAR DRILL FORTY-ONE

۲۶ ـ شما گاهی اوقات بسینما میروید ؟

۲۷ ـ او گاهی اوقات به کتابخانه میرود ؟

۲۸ ـ ایشان گاهی اوقات رادیو گوش‌میدهند ؟

۲۹ ـ دیروز صبح چه ساعتی سوار اتومبیلتان شدید ؟

۳۰ ـ خانمتان تخم مرغ نیمرو دوست دارد ؟

۳۱ ـ با تخم مرغ عسلی نمك میخورید ؟

۳۲ ـ با صبحانه نان تافتون میخورید یا نان سفید ؟

۳۳ ـ شما تا بحال نان تافتون خورده اید ؟

۳۴ ـ او نان تافتون دوست دارد ؟

۳۵ ـ کی بعضی وقتها نان تافتون میخورد ؟

۳۶ ـ ایشان روزی چند فنجان قهوه میخورند ؟

۳۷ ـ در قهوه کرم میریزید یا شکر ؟

۳۸ ـ با چائی هم کرم میخورید ؟

۳۹ ـ معمولا چائی‌تان را با قند میخورید یا با شکر ؟ فرقی نمیکند گاهی با قند میخورم وگاهی با شکر .

۴۰ ـ برای خوردن صبحانه چند دقیقه وقت صرف میکنید ؟

۴۱ ـ شما میخواهید بسینمای کارمل برویم یا مانتری ؟ فرقی نمیکند هر کدام میل شما باشد .

۴۲ ـ رومیزی شما چه رنگ است ؟

۴۳ ـ میز صبحانه را کی می چیند ؟

۴۴ ـ امروز صبح چند نفر سر میز صبحانه بودند ؟

۴۵ ـ هیچوقت در مدرسه صبحانه خورده‌اید ؟

۴۶ ـ امروز با چه وسیله‌ای بمدرسه آمدید ؟

۴۷ ـ او پیاده بمدرسه آمد یا با اتومبیلش ؟

۴۸ ـ اگر پیاده بمدرسه بیائید چقدر وقت لازم دارید ؟

صبح ها پیش از اینکه به مدرسه بیایم لباس نظامیم را می پوشم و ناشتائی میخورم.
معمولاً دو تخم مرغ ، دو تکه نان و یک فنجان قهوه میخورم. من کره و مربا را خیلی
دوست دارم و با نانم کره و مربا میخورم. گاهی اوقات هم نانم را با کره و عسل میخورم.
خانم من چای کمرنگ میخورد ، اما من چای پر رنگ را بیشتر دوست دارم.
دو قاشق شکر و کمی کرم در آن میریزم. بعضی وقتها تخم مرغ نیمرو میخورم و بعضی
وقتها تخم مرغ عسلی. بعد از خوردن ناشتائی کمی به رادیو گوش میکنم* بعد
سوار اتومبیلم میشوم و بمدرسه میروم.

* گوش کردن یا گوش دادن : to listen

READING FORTY-ONE

Questions on reading :

۱ ـ صبح ها پیش‌از اینکه بمدرسه بیایم چه میکنم ؟

۲ ـ من برای ناشتائی چند تخم‌مرغ میخورم ؟

۳ ـ با ناشتائی قهوه میخورم یا چائی ؟

٤ ـ چه چیزهائی برای ناشتائی میخورم ؟

٥ ـ خانم من چای پر رنگ دوست دارد یا کم رنگ ؟

٦ ـ من در چائی ام شکر و کرم میریزم ؟

۷ ـ من تخم مرغ نیمرو میخورم یا تخم مرغ عسلی ؟

۸ ـ بعد از خوردن ناشتائی چه میکنم ؟

۹ ـ پیاده بمدرسه میآیم ؟

۱۰ ـ با اتوبوس‌بمدرسه میآیم یا با اتومبیل خودم ؟

HOMEWORK FORTY-ONE

Read the following sentences carefully and change the verbs into negative.

Example:

آن کتاب را خوانده ام .
آن کتاب را نخوانده ام .

۱ ـ من دیروز کفشهایم را واکس زدم .

۲ ـ او جورابش را پایش کرده است .

۳ ـ فقط یك جفت از کفشهای من بند دارد .

٤ ـ او میخواهد با لباس شخصی پاپیون بزند .

٥ ـ من کت دو طرفه را بیشتر از کت جلو گرد دوست دارم .

٦ ـ دوست من معمولاً دکمه سر دست و سنجاق کراوات میزند .

۷ ـ من میتوانم لباس نظامی بپوشم .

۸ ـ شاگردان باید هر روز لباسشان را برس بزنند .

VOCABULARY FORTY-ONE

تکه (نان)	piece, slice
تُخم مرغ عَسَلی	soft boiled egg
تُخم مرغ نیمرو	fried egg
مُرَبا	jam
عَسَل	honey
جور	kind, sort
نانِ سفید	white bread
نانِ تافتون	a variety of Persian bread
تَلخ	bitter
گاهی اوقات (بعضی وقتها)	sometimes
فَرقی نمیکُنَد	It makes no difference
ریختَن (ریز)	to pour
سوار شُدَن	to get on, to ride
کَم رَنگ (چایِ کَم رَنگ)	light in color (weak tea)
پُر رَنگ (چایِ پُر رَنگ)	dark in color (strong tea)
نِصف	half
نَمک	salt
آبلیمو	lemon juice
خوشمَزه	delicious , good tasting
شیرین	sweet
لابُد	presumably, perhaps
قند	lump sugar

LESSON FORTY-TWO

PERCEPTION DRILL FORTY-TWO

حالا دارید کجا میروید ؟
او حالا دارد کجا میرود ؟
دوست شما دارد پیش‌کی میرود ؟

*

تشریف آوردن

خواهش‌میکنم امشب برای شام بمنزل ما تشریف بیاورید .
با کمال میل خدمت میرسم .

*

راضی بزحمت شما نیستم

میل دارید شما را بمنزل ببرم ؟
راضی بزحمت شما نیستم ، پیاده میروم .
میخواهید این‌کار را برایتان بکنم ؟
متشکرم ، امّا راضی بزحمت شما نیستم .

CARTOON FORTY-TWO

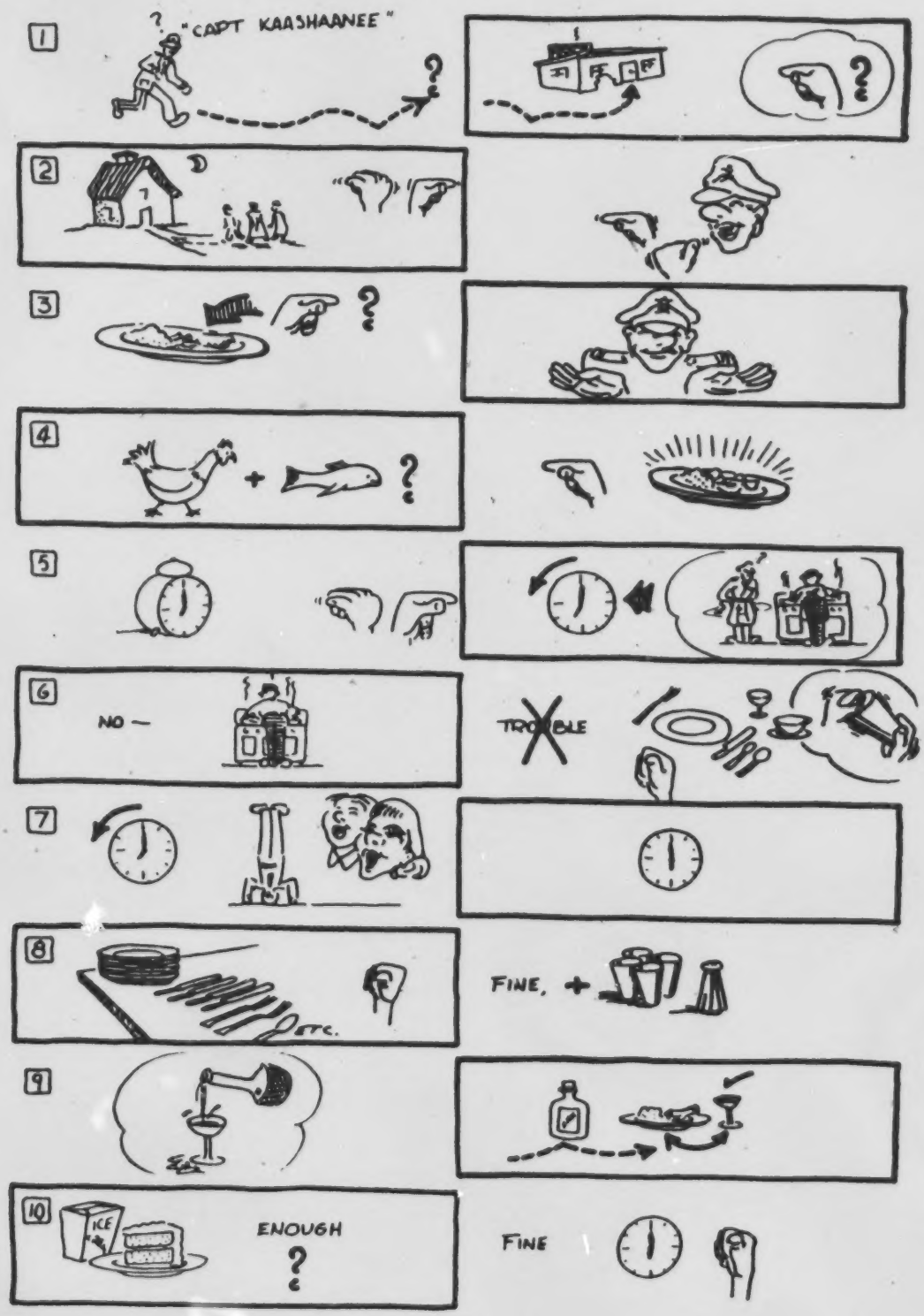

DIALOGUE FORTY-TWO

۱ ــ سروان کاشانی کجا میروید ؟
دارم بمنزل میروم • فرمایشی دارید ؟

۲ ــ امشب مهمانی دارم میخواستم خواهش کنم شما هم تشریف بیآورید •
متشکرم • با کمال میل خدمت میرسم •

۳ ــ چه میخواهید برایتان درست کنم ؟
فرقی نمیکند هر چه میل خود شما است •

٤ ــ خوراك مرغ و خوراك ماهی دوست دارید ؟
البته ، من هر چه که شما بپزید دوست دارم •

٥ ــ خواهش میکنم ساعت هفت تشریف بیاورید •
خوب است زودتر بیایم و بشما کمك کنم •

٦ ــ خیلی متشکرم ولی راضی بزحمت شما نیستم •
زحمتی نیست • من میز را می چینم و مشروب را درست میکنم •

۷ ــ حالا که زودتر تشریف میآورید از مهمان ها هم پذیرائی کنید •
بسیار خوب ، برای ساعت شش خدمت میرسم •

۸ ــ من قبلاً بشقاب و کارد و چنگال ها را روی میز میگذارم •
ضمناً نمکدان و لیوان ها را هم بگذارید •

۹ ــ خیال دارم با شام شراب بدهم •
فکر خوبی است پیش از شام ویسکی و با شام شراب بدهید •

۱۰ ــ برای دسر بستنی و کیك کافی است ؟
البته کافی است • ساعت شش منتظرم باشید •

D I A L O G U E F O R T Y - T W O

Translation

1. Where are you going Captain Kaashaanee?

   I am going home. What can I do for you?

2. I have a party tonight. I wanted to ask you to come too.

   Thank you very much. I will come with pleasure.

3. What would you like me to cook for you?

   It makes no difference to me, whatever you like.

4. Would you like a fish dish and a chicken dish?

   Of course. I like whatever you cook.

5. Please come at seven o'clock.

   It would be better if I come earlier and help you.

6. Thank you very much, but I don't like to trouble you.

   It is no trouble. I'll just set the table and make the drinks.

7. Now that you are coming earlier you can entertain the guests too.

   Very well. I'll come at six o'clock.

8. I'll put the plates, knives, and forks on the table beforehand.

   Meantime put the glasses and the salt-shaker too.

9. I am thinking of serving wine with dinner.

   It is a good idea. Serve whisky before and wine with the dinner.

10. Will ice cream and cake be enough for dessert?

    Of course it is. Expect me at six o'clock.

GRAMMAR DRILL FORTY-TWO

۱ ـ امشب چند نفر مهمان دارید ؟

۲ ـ مهمانها برای شام میآیند ؟

۳ ـ کی برای مهمانها آشپزی میکند ؟

٤ ـ چه غذائی برای مهمانها درست میکنید ؟

٥ ـ خانم شما خوراك مرغ خوب میپزد ؟

٦ ـ کی خوراك ماهی میتواند بپزد ؟

۷ ـ ایشان امشب در منزل مهمان دارند ؟

۸ ـ امشب با خانمتان بمنزل ما تشریف میآورید ؟

۹ ـ کی وقت دارید خدمتتان برسم ؟

۱۰ ـ ممکن است فردا خدمت شما برسم ؟

۱۱ ـ دیشب بمن تلفن کردید ، چه فرمایشی داشتید ؟

۱۲ ـ دیروز خانمتان میخواستند با من حرف بزنند ، میدانید چه فرمایشی داشتند ؟

۱۳ ـ از کارتان راضی هستید ؟

۱٤ ـ دیشب ساعت شش خدمت رسیدم منزل نبودید ، کجا رفته بودید ؟

۱٥ ـ خانم او حالا چه میکند ؟

۱٦ ـ خانم او دارد آشپزی میکند ؟

۱۷ ـ ممکن است امشب بمنزل ما تشریف بیاورید ؟ با کمال میل خدمت میرسم .

۱۸ ـ کی برای مهمانها میز میچیند ؟

۱۹ ـ روی میز غذا چه چیزهائی میگذارید ؟

۲۰ ـ نمك دان و فلفل دان را هم روی میز نهار خوری میگذارید ؟

۲۱ ـ لیوانها را جلوی بشقابها گذاشته اید .

۲۲ ـ میل دارید زودتر خدمت برسم و بشما کمك کنم ؟
متشکرم ولی راضی به زحمت شما نیستم .

۲۳ ـ میل دارید من میز غذا را بچینم ؟ راضی بزحمت شما نیستم خودم میچینم .

GRAMMAR DRILL FORTY-TWO

۲٤ ـ خوراك ماهی بیشتر دوست دارید یا خوراك مرغ ؟

۲۵ ـ کی امشب شما را برای شام دعوت کرده است ؟

۲٦ ـ چه ساعتی به مهمانی تشریف آوردید ؟

۲۷ ـ وقتی شام میهزید ضمناً برادیو هم گوش میدهید ؟

۲۸ ـ چطور است امشب بسینما برویم ؟ فکر خوبی است من هم میآیم .

۲۹ ـ فکر خوبی است که امشب بیرون شام بخوریم ؟ بله خیلی فکر خوبی است .

۳۰ ـ فکر کرده اید برای شام کجا برویم ؟

۳۱ ـ همانجائی که هفته پیش رفتیم خوب است ؟

۳۲ ـ فنجانهای شما چه رنگ است ؟

۳۳ ـ خانمتان از فنجانهائی که خریدید خوشش آمد ؟

۳٤ ـ فکر کرده اید برای تعطیل بسانفرانسیسکو بروید ؟

۳۵ ـ ایشان فکر کرده اند در سانفرانسیسکو کجا بمانند ؟

۳٦ ـ فکر میکنید که دوستتان هفته بعد مراجعت کند ؟

۳۷ ـ دوستتان از مسافرت بایران راضی است ؟

۳۸ ـ از خریدن این خانه راضی هستید ؟

۳۹ ـ معلم از شما راضی است ؟

٤۰ ـ شما از معلمتان راضی هستید ؟

٤۱ ـ ایشان از بچهایشان راضی هستند ؟

٤۲ ـ چه نوع شرابی دوست دارید ؟

٤۳ ـ صدای اتومبیل مزاحم شما است ؟

٤٤ ـ صدای بچه مزاحم شما است ؟

٤۵ ـ امشب میتوانید زودتر از ساعت شش بیائید ؟

٤٦ ـ او زودتر از سایر مهمانها بمنزل ما آمد ؟

دیشب آقای تهرانی برای شام چند نفر مهمان داشت . او از آقای کاشانی
هم دعوت کرد برای شام بمنزلش برود . چون خانم تهرانی منزل نبود ، آقای
تهرانی خودش برای شام خوراک مرغ درست کرد . پیش از شام به مهمانها
ویسکی داد . آقای کاشانی در چیدن میز با آقای تهرانی کمک کرد . آقای
تهرانی قبلاً بشقاب ، کارد و چنگال ، نمکدان و فلفلدان را روی میز گذاشت
و آقای کاشانی آنها را چید و از همه پذیرائی کرد .
روی‌هرفته شب خوبی بود و بهمه خوش گذشت .

READING FORTY-TWO

Questions on reading :

۱ ـ دیشب کی مهمان داشت ؟

۲ ـ کی از آقای کاشانی دعوت کرد برای شام بمنزلش برود ؟

۳ ـ آقای کاشانی در چیدن میز کمك کرد ؟

٤ ـ نمکدان و فلفل دان را کی روی میز گذاشت ؟

٥ ـ آقای تهرانی برای شام چه درست کرد ؟

٦ ـ چرا خانم تهرانی شام درست نکرد ؟

۷ ـ خانم تهرانی در منزل بود ؟

۸ ـ کی از مهمانها پذیرائی کرد ؟

۹ ـ مهمانها چه مشروبی خوردند ؟

۱۰ ـ بمهمانها خوش گذشت ؟

HOMEWORK FORTY-TWO

Read the following sentences carefully and change the verbs from past-tense to present tense.

Example:

من با نان کره و مربا خوردم .
من با نان کره و مربا میخورم .

۱ ـ او در قهوه اش کرم ریخت .

۲ ـ من فقط یك تکه نان با کره و عسل خوردم .

۳ ـ ما چائی را با قند خوردیم نه با شکر .

٤ ـ سروان تهرانی برای خوردن ناشتائی به رستوران رفت .

٥ ـ ایشان تخم مرغ نیمرو و نان تافتون خوردند .

٦ ـ من فقط نصف قاشق شکر در قهوه ام ریختم .

۷ ـ آشپز ما غذای خوشمزه پخت .

۸ ـ برای آمدن بمدرسه سوار اتومبیلم شدم .

VOCABULARY FORTY-TWO

خوراك	dish
خوراكِ ماهی	a dish of fish
مرغ	hen
خوراكِ مرغ	a dish of chicken (hen)
تَشریف آوَردَن (۱)	to come
خواهِش میکنم بمنزل ما تشریف بیآورید	please come to our house
راضی	satisfied, content, willing
راضی بزَحمتِ شُما نیستَم	I don't want to trouble you
خدَمتِ کِسی رِسیدَن (۲)	to go to see someone.
امشب خِدمَتتان میرِسَم	I'll come to see you tonight.
پَذیرائی کَردَن	to entertain
قبلاً	beforehand
لیوان	glass
نَمکدان	salt shaker
فِلفِلدان	pepper shaker
فَرمایش داشتَن (۳)	to want, to desire
چه فَرمایشی دارید ؟	what do you wish ?
میلِ شما است	as you wish
زودتَر	sooner
ضمناً	meantime, meanwhile
فِکر	a thought , idea
فِکرِ خوبی است	It is a good idea.
فِکر کَردَن	to think
شراب	wine

1,3- تَشریف آوردَن، فَرمایش داشتَن are used when reference is made to a person of equal or higher rank. They must never be used when refering to oneself.
2- خِدمَت رِسیدَن must not be used when refering to anyone other than oneself.

LESSON FORTY-THREE

19 46

PERCEPTION DRILL FORTY-THREE

تهیّه کَردَن (to procure)

چای دارجلینگ را از کجا تهیه میکنید ؟
خانم لباسهایش را از لباس فروشی در نیویورک تهیه میکند .
این گرامافون و رادیو را درپاریس تهیه کرده ام .

تهیّه کَردَن (to prepare)

دیشب برای مهمانها خوراک مرغ تهیه کردم .
امشب چه غذائی تهیه خواهید کرد ؟
برای بچه ها لباس زمستانی تهیه کرده ام .

سایِر

این مغازه جوراب میفروشد .
سایر مغازه ها هم جوراب میفروشند ؟
یکی از دوستانم در مونتری و سایر دوستانم در سانفرانسیسکو هستند .

CARTOON FORTY-THREE

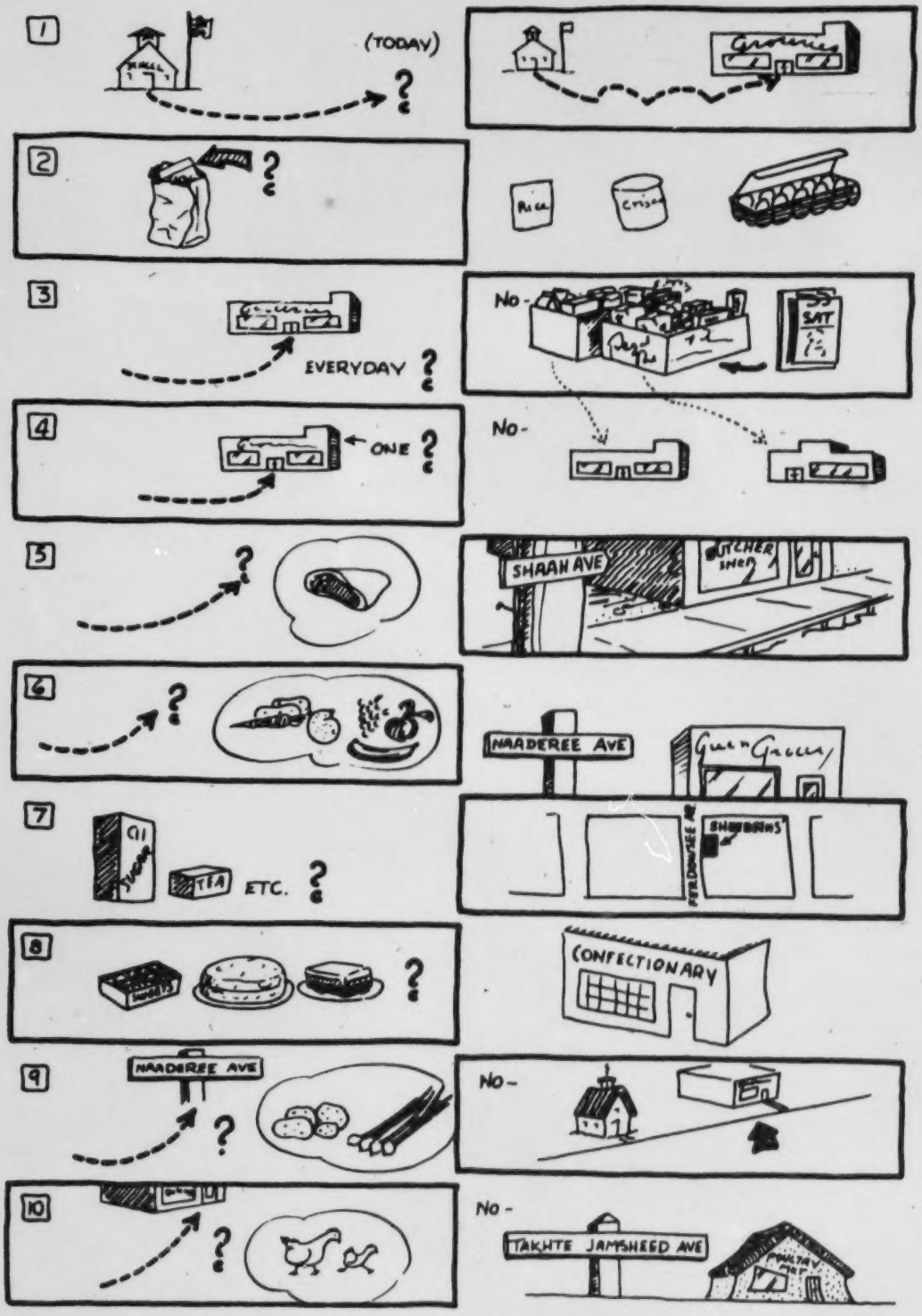

DIALOGUE FORTY-THREE

۱ ـ امروز بعد از مدرسه کجا خواهید رفت ؟
بعد از مدرسه به بقالی خواهم رفت .

۲ ـ در بقالی چه چیزی خواهید خرید ؟
برنج و روغن و تخم مرغ خواهم خرید .

۳ ـ برای خرید اغذیه هر روز به بقالی میروید ؟
نه بیشتر اجناسی را که لازم دارم روزهای شنبه تهیه میکنم .

٤ ـ شما همه چیز را از یك دکان میخرید ؟
نه ، بعضی چیزها را از یك دکان و بعضی را از دکان دیگر میخرم .

٥ ـ گوشت را از کجا میخرید ؟
گوشت را از دکان قصابی درخیابان "شاه" میخرم .

٦ ـ سبزیجات را از کدام دکان میخرید ؟
از سبزی‌فروشی در خیابان "نادری" میخرم .

۷ ـ شکر و چای را از کجا میخرید ؟
آنها را از مغازه "شیرین" در پاساژ فردوسی میخرم .

۸ ـ شیرینی و کیك و بستنی را از کجا میخرید ؟
شیرینی و کیك و بستنی را از شیرینی فروشی میخرم .

۹ ـ سیب‌زمینی و پیاز را هم از خیابان "نادری" میخرید ؟
نه ، آنها را از بقالی نزدیك منزلمان میخرم .

۱۰ ـ مرغ و جوجه را هم از قصابی میخرید ؟
نه ، آنها را از مرغ‌فروشی در خیابان "تخت‌جمشید" میخرم .

D I A L O G U E F O R T Y - T H R E E

Translation

1. Where will you go today after school?

   After school I will go to the grocery store.

2. What will you buy at the grocery?

   I will buy rice and shortening and eggs.

3. Do you go to the grocery everyday to buy food?

   No, I procure most of the things I need on Saturdays.

4. Do you buy everything from one store?

   No, I buy some things from one store and some from another.

5. Where do you buy meat?

   I buy meat from the butcher shop on Shah Avenue.

6. Where do you buy vegetables?

   From the grocery store on Nadery Avenue.

7. Where do you buy sugar and tea?

   I buy them from Sheereen's store in the Ferdowsi Arcade.

8. Where do you buy sweets, cake and ice cream?

   I buy sweets, cake and ice cream from the confectionary.

9. Do you buy potatoes and onions also from Nadery Avenue?

   No. I buy these things from the grocery store near our house.

10. Do you buy hens and chicken also from the butcher shop?

    No. I buy these from the poultry market on Takhte Jamsheed Avenue.

GRAMMAR DRILL FORTY-THREE

۱ ـ از کدام بقالی اغذیه میخرید ؟
۲ ـ ایرانیها برنج زیاد میخورند ؟
۳ ـ قیمت یك پوند برنج چقدر است ؟
٤ ـ او دیروز چند پوند برنج خرید ؟
٥ ـ در هفته چقدر برنج مصرف میکنید ؟
٦ ـ با غذا روغن زیاد مصرف میکنید ؟
۷ ـ ایشان چه روغنی مصرف میکنند ؟
۸ ـ چند دکان بقالی نزدیك منزل شما است ؟
۹ ـ بقالی دستِ راست منزل او است ؟
۱۰ ـ سبزیجات را از کدام دکان میخرید ؟
۱۱ ـ دکان سبزی‌فروشی بخانه او نزدیك است ؟
۱۲ ـ در منزل شما سبزیجات زیاد مصرف میشود ؟
۱۳ ـ سبزی‌فروشی بخانه او نزدیك است ؟
۱٤ ـ دکان قصابی از منزل شما خیلی دور است ؟
۱٥ ـ کدام دکان دست راست منزل شما است ؟
۱٦ ـ منزل ایشان روبروی دکان بقالی است ؟
۱۷ ـ او در منزلش سبزی زیاد مصرف میکند ؟
۱۸ ـ برای شما سبزی خوب است ؟
۱۹ ـ چه نوع سبزیجاتی بیشتر مصرف میکنید ؟
۲۰ ـ این عکسهای قشنگ را از کجا تهیه کرده اید ؟
۲۱ ـ سبزیجات تازه را از کجا تهیه میکنید ؟
۲۲ ـ ایشان این زیر سیگاریها را از کجا تهیه کرده اند ؟
۲۳ ـ قند و چای را از کجا تهیه میکنید ؟
۲٤ ـ امشب برای شام چه تهیه میکنید ؟
۲٥ ـ دیشب چه غذائی تهیه کردید ؟

GRAMMAR DRILL FORTY-THREE

۲۶ ـ برای مهمانها چه غذائی تهیه خواهید کرد ؟
۲۷ ـ در کارمل چای دارجلینگ دارند ؟
۲۸ ـ از کدام مغازه میتوانید چای دارجلینگ بخرید ؟
۲۹ ـ سایر مغازه ها هم چای دارجلینگ دارند ؟
۳۰ ـ از چای دارجلینگ خوشتان میآید ؟
۳۱ ـ خیابان تخت جمشید در کدام شهر است ؟
۳۲ ـ در خیابان تخت جمشید مرغ فروشی هست ؟
۳۳ ـ خیابان نادری در کدام شهر است ؟
۳۴ ـ در خیابان تخت جمشید شیرینی فروشی هست ؟
۳۵ ـ او شیرینی را از شیرینی فروشی در خیابان شاه میخرد ؟
۳۶ ـ شما مرغ و جوجه را از مرغ فروشی خیابان تخت جمشید میخرید ؟
۳۷ ـ خیابان فردوسی کجا است ؟
۳۸ ـ در خیابان فردوسی پاساژ هست ؟
۳۹ ـ چند پاساژ در خیابان فردوسی هست ؟
۴۰ ـ اسم آن پاساژ چیست ؟
۴۱ ـ بعضی روزها به پاساژ فردوسی میروید ؟
۴۲ ـ بعضی شبها زود میخوابید ؟
۴۳ ـ بعضی از دوستان شما در نیویورک هستند ؟
۴۴ ـ کارمل پاساژ دارد ؟
۴۵ ـ چند پاساژ در شهر کارمل هست ؟
۴۶ ـ در سایر پاساژها هم سبزی و میوه میفروشند ؟
۴۷ ـ تا بحال به پاساژ کارمل رفته اید ؟
۴۸ ـ در بقالی سیب زمینی و پیاز میفروشند ؟
۴۹ ـ بعضی اوقات به کتابخانه میروید ؟
۵۰ ـ بعضی اوقات از قصابی شاه گوشت میخرید ؟

خانم اکبری روز های شنبه ساعت ده صبح برای خرید اغذیه به بقالی میرود . او معمولاً بیشتر اجناسی را که برای هفته لازم دارد در آن روز تهیه میکند . روغن وکره وتخم مرغ وشیر را از بقالی میخرد . گوشت را از قصابی وسبزی را از سبزی فروشی نزدیک منزلشان میخرد . چای دارجلینگ را از مغازه شیرین در پاساژ فردوسی میخرد . یک مرغ فروشی خیلی خوبی در خیابان تخت جمشید هست . خانم اکبری مرغ وجوجه را از آنجا میخرد . پهلوی آن مرغ فروشی یک شیرینی فروشی تازه بازشده است وخانم اکبری شیرینی وکیک وبستنی را از آنجا میخرد خانم اکبری همه اجناس را ارزانتر از آقای اکبری میخرد .

READING FORTY-THREE

Questions on reading:

۱ ـ خانم اکبری چه روزهائی برای خرید اغذیه به بقالی میرود ؟

۲ ـ روغن و کره را از کجا میخرد ؟

۳ ـ گوشت را از کدام قصابی میخرد ؟

٤ ـ خانم اکبری چه نوع چای میخرد ؟

٥ ـ مرغ فروشی خوب در کدام خیابان است ؟

٦ ـ خانم اکبری مرغ و جوجه را از کجا میخرد ؟

۷ ـ در کدام خیابان شیرینی فروشی تازه باز شده است ؟

۸ ـ سبزی را از کجا میخرد ؟

۹ ـ شیرینی و کیك و بستنی را از کدام مغازه میخرد ؟

۱۰ ـ خانم اکبری اجناس را ارزانتر میخرد یا آقای اکبری ؟

HOMEWORK FORTY-THREE

Read the following sentences carefully and change the verbs into the future tense:

Example:

من غذا خوردم .
من غذا خواهم خورد .

۱ ـ من میز غذا خوری را چیدم .

۲ ـ ما کارد و چنگال را روی میز گذاشتیم .

۳ ـ ظرفها روی میز غذا خوری بود .

۴ ـ او در آشپزخانه آشپزی کرد .

۵ ـ خانم و آقای تهرانی مشغول کتاب‌خواندن بودند .

۶ ـ ایشان قاشق و بشقابها را روی میز گذاشتند .

۷ ـ کتاب‌من روی میز بود .

۸ ـ آشپز غذاها را حاضر کرد .

VOCABULARY FORTY-THREE

بِرِنج	rice
رِوغَن	oil (shortening)
اَغذِیه	pl. of غذا , foods
دُکّان	shop
سَبزیجات	pl. of سبزی , vegetables
سبزی‌فروشی	green grocery
تَهیه کَردَن	to procure, to prepare
برای خریدن خانه باید پول کافی	we must procure enough money for
تهیه کنیم	buying a house
برای مهمانی امشب غذای ایرانی	I have prepared Persian food for
تهیه کرده‌ام	the party tonight
پاساژ	arcade
شیرینی فُروشی	confectionary
مُرغ فُروشی	poultry shop
سایر	other
چای دارجِلینگ	Darjiling tea
خیابانِ تَختِ جَمشید	Takht-e-Jamsheed Avenue
خیابانِ شاه	Shah Avenue
خیابانِ نادری	Nadery Avenue
خیابانِ فِردوسی	Ferdowsi Avenue
پاساژ فردوسی	Ferdowsi Arcade
بَعضی	some
بَعضی اوقات	sometimes

LESSON FORTY-FOUR

PERCEPTION DRILL FORTY-FOUR

همراه

خواهش میکنم همراه من بیائید .
میل دارید همراه من بسینما بیائید ؟
او همراه خانمش به مسافرت میرود ؟
شما همراه او به کتابخانه میروید ؟

مُعَرفی کردن

دیروز او را بخانم معرفی کردم .
کی او را بمن معرفی خواهید کرد ؟
هنوز خواهرتان را باو معرفی نکرده اید ؟
میخواهید او را بدوستتان معرفی کنید ؟

مُعَرفی شدن

در مهمانی دیشب باو معرفی شدم .
کی به آقای راد معرفی شدید ؟
شاگردان به معلم تازه معرفی شده اند ؟

ملاقات کَردَن

دیشب او را ملاقات کردم .
آقای تهرانی را در نیویورک ملاقات کردید ؟
در مهمانی امشب دوستتان را ملاقات میکنید ؟

LESSON 44

1
HELLO
MR YAZDEE
HELLO
MR BABOLEE
....AWAY
2
HAPPY
HAPPY
3
NICE
GERMANY
4
EUROPE
NEW YORK
5
BRING .... EUROPE
EUROPE
6
MADE
FIAT
7
8
CAFE
EAT
THANK YOU
WIFE
9
WIFE
10

DIALOGUE FORTY-FOUR

۱ ـ سلام آقای یزدی مدتی است شما را ندیده‌ام ، کجا بودید ؟
سلام آقای بابلی ، یکسال اینجا نبودم . تازه برگشته‌ام .

۲ ـ خیلی خوشوقتم که برگشته‌اید ، باز همدیگر را خواهیم دید .
متشکرم ، منهم از دیدن شما خوشحالم .

۳ ـ چه دوربین قشنگی دارید ، آنرا از کجا خریده‌اید ؟
آنرا در آلمان خریده‌ام .

٤ ـ بارانی و کیفتان را هم در اروپا خریده‌اید ؟
بارانیم را در اروپا و کیفم را در نیویورک خریده‌ام .

٥ ـ چه چیزهای دیگری از اروپا آورده‌اید ؟
یك اتومبیل از اروپا آورده‌ام .

٦ ـ اتومبیلتان ساخت کدام کارخانه* است ؟
اتومبیلم ساخت کارخانه "فیات" است .

۷ ـ ممکن است اتومبیلتان را ببینم ؟
البته ، همراه من بیائید ، اتومبیلم سر خیابان است .

۸ ـ پس بفرمائید اول یك قهوه بخوریم بعد برویم .
متشکرم ، ولی خانمم در اتومبیل منتظر من است .

۹ ـ راستی من هنوز خانم شما را ملاقات نکرده‌ام .
بفرمائید همین حالا او را بشما معرفی میکنم .

۱۰ ـ الان باید یك تلفن بکنم شما بفرمائید منهم بعد میآیم .
بسیار خوب . بزودی شما را میبینم .

* کارخانه : factory

D I A L O G U E F O R T Y - F O U R

Translation

1- Hello Mr. Yazdee, it has been a long time since I saw you. Where have you been?

Hello Mr. Baabolee, I have been away for a year. I have just returned.

2- I am very happy that you have returned; we shall see each other again.

Thank you. I am happy to see you too.

3- What a nice camera! Where did you buy it?

I bought it in Germany.

4- Did you buy your rain-coat and your briefcase in Europe too?

I bought my rain-coat in Europe and my briefcase in New York.

5- What else did you bring from Europe?

I brought a car from Europe.

6- What make is your car? (What factory's product is your car?)

My car is a Fiat.

7- May I see your car?

Certainley. Come with me, my car is at the end of this street.

8- Then let's have a cup of coffee first and then we'll go.

Thank you, but my wife is waiting in the car for me.

9- By the way, I still haven't met your wife.

Let's go right now, and I'll introduce her to you.

10- I must make a phone call now, you go ahead, I'll come.

Very well, I'll see you in a little while.

GRAMMAR DRILL FORTY-FOUR

۱ ــ همدیگر را کجا ملاقات کردید ؟
۲ ــ شما و دوستتان کی همدیگر را خواهید دید ؟
۳ ــ ایشان ساعت چهار همدیگر را دیدند ؟
٤ ــ کت و شلوار شما مثل کت و شلوار دوستتان است ؟
٥ ــ رنگ لباس شما مثل رنگ لباس من است ؟
٦ ــ شما مثل آقای تهرانی فارسی حرف میزنید ؟
۷ ــ شوهر شما کی از مسافرت مراجعت میکند ؟
۸ ــ شوهرتان در کجا کار میکند ؟
۹ ــ شوهر خواهرتان بمنزل شما آمد ؟
۱۰ ــ مادر شوهر او در کدام شهر است ؟
۱۱ ــ مادر شوهرتان چند سال دارد ؟
۱۲ ــ پدر شوهرتان کی از اروپا بر میگردد ؟
۱۳ ــ شوهر خواهرتان از نیویورک برگشته است ؟
۱٤ ــ بزودی بمنزل خواهید رفت ؟
۱٥ ــ پسرتان بزودی درسش را تمام میکند ؟
۱٦ ــ بزودی کتابتان را تمام خواهید کرد ؟
۱۷ ــ او بزودی بمسافرت میرود ؟
۱۸ ــ شما الان باو تلفن میکنید ؟
۱۹ ــ الان باید به لباسفروشی بروید ؟
۲۰ ــ لباسفروشی در کدام خیابان است ؟
۲۱ ــ شما با خانمتان به مغازه لباسفروشی رفتید ؟
۲۲ ــ تا بحال به لباسفروشی در خیابان «آلورادو» رفته اید ؟
۲۳ ــ دوربین دوستتان ساخت کدام کارخانه است ؟
۲٤ ــ اتومبیلتان ساخت کدام کارخانه است ؟
۲٥ ــ دختر کوچکتان را به مهمانی میآورید ؟

GRAMMAR DRILL FORTY-FOUR

۲۶ ـ کی او را ملاقات کردید ؟
۲۷ ـ کجا ایشان را ملاقات کردید ؟
۲۸ ـ از ملاقات او خوشحال شدید ؟
۲۹ ـ کیف من را روی میز گذاشتید ؟
۳۰ ـ کاغذ من را خواندید ؟
۳۱ ـ کی کتاب مرا اینجا گذاشت ؟
۳۲ ـ شما همراه من بسینما میآئید ؟
۳۳ ـ او همراه خانمش بمهمانی میرود ؟
۳۴ ـ ممکن است خواهش کنم همراه من بکتابخانه بیائید ؟
۳۵ ـ فکر میکنید او همراه شما بیاید ؟
۳۶ ـ پسرتان همراه شما به مهمانی میآید ؟
۳۷ ـ دیروز پیش دکتر رفتید ؟
۳۸ ـ بهمین جهت با او به کتابخانه نرفتید ؟
۳۹ ـ دوربین خوب در آلمان هست ؟
۴۰ ـ بهمین جهت دوربین تان را از آلمان خریدید ؟
۴۱ ـ بهمین جهت میخواهید زودتر بمنزل بروید ؟
۴۲ ـ مدتی است شما را ندیده ام کجا بودید ؟
۴۳ ـ باز میخواهید به ایران بروید ؟
۴۴ ـ میل دارید باز آن سینما را ببینید ؟
۴۵ ـ امروز او را در خیابان دیدید ؟
۴۶ ـ کی او را بشما معرفی کرد ؟
۴۷ ـ ممکن است مرا بدوستتان معرفی کنید ؟
۴۸ ـ در مهمانی دیشب به او معرفی شدید ؟
۴۹ ـ تا بحال باروپا مسافرت کرده اید ؟
۵۰ ـ کدام یك از شهرهای اروپا را دیده اید ؟

مادرشوهرِ پروین تازه از اروپا برگشته است. من و خانمم دیروز بدیدنِ
او رفتیم. او یک جفت کفش و یک کیفِ همرنگ* آن از ایتالیا خریده است.
یک دوربین هم از آلمان آورده است. او میگفت که در ایتالیا اجناسِ
بافته بهتر و قیمتش هم از اجناسِ بافتهِ آمریکا ارزانتر است.
بهمین جهت لباسهایِ بافتهِ خوبی در اروپا خریده است. سالِ دیگر
خیال دارد باز باروپا برود. او میخواهد یک اتومبیلِ فیات مثلِ اتومبیلِ
خودش برایِ پروین بیاورد. پروین و شوهرش هر دو از این موضوع
خیلی خوشحالند.

* همرنگ : matching

READING FORTY-FOUR

Questions on reading:

۱ ـ مادر شوهر پروین از کجا برگشته است ؟

۲ ـ او چه چیزهائی از ایتالیا خریده است ؟

۳ ـ چه چیزهائی از آلمان خریده است ؟

٤ ـ در ایتالیا اجناس بافته خوب است ؟

٥ ـ قیمت اجناس بافته در ایتالیا چطور است ؟

٦ ـ اجناس بافته امریکا ارزانتر است یا ایتالیا ؟

۷ ـ چرا مادر شوهر پروین در ایتالیا لباس بافته خریده است ؟

۸ ـ کی خیال دارد باز باروپا برود ؟

۹ ـ از اروپا چه میخواهد برای پروین بیاورد ؟

۱۰ ـ پروین و شوهرش از چه موضوعی خوشحالند ؟

HOMEWORK FORTY-FOUR

Complete the following sentences by filling in the blank with appropriate form of verbs. For each sentence the infinitive of the verb to be used is written in perenthesis.

Example:

من غذای ایرانی دوست دارم . (دوست داشتن)

۱ــ سبزیجات را باید از دکان سبزی‌فروشی _____ . (خریدن)

۲ــ معمولاً روزهای شنبه برای خرید اغذیه به بقالی _____ . (رفتن)

۳ــ برای خریدن لباس باید صد دلار _____ _____ . (تهیه کردن)

٤ــ معمولاً مرغ را در مرغ‌فروشی _____ . (فروختن)

٥ــ شیرینی فروشی "نادری" شیرینی های خوب _____ . (داشتن)

٦ــ بعضی از شاگردان مشغول قهوه خوردن _____ . (بودن)

۷ــ بعضی روزها ساعت هشت بمدرسه _____ . (رسیدن)

۸ــ برای مهمانی امشب غذای ایرانی _____ _____ . (تهیه کردن)

VOCABULARY FORTY-FOUR

هَمدیگر	each other
شوهَر	husband
مادَر شوهَر	mother-in-law
پِدَر شوهَر	father-in-law
بزودی	quickly, soon
لِباس‌فُروشی	clothing store
مُلاقات	visit, meeting
مُلاقات کَردَن	to meet
من دیروز خانم شما را مُلاقات کَردَم	I met your wife yesterday
از مُلاقاتِ شما خوشوقتم	I am glad to meet you
آوَردَن	to bring
هَمراهْ	along
هَمراهِ من بیائید	come along with me
جِهَت	reason
بِهَمین جِهَت	for this reason
مُدَت	time, duration, period
مُدَتی است که شما را ندیده‌ام	I haven't seen you for some time.
بازْ	again
مُعَرِفی کَردَن ، مُعَرِفی شُدَن	to introduce, to be introduced
آقای راد را بشما مُعَرِفی میکُنَم	I introduce Mr. Rad to you. (meet Mr. Rad)
اروپا	Europe
مِثلْ	like, as, similar
دوربینْ	camera
ساختْ	make, manufacture
اَلآن	right now

LESSON FORTY-FIVE

PERCEPTION DRILL FORTY-FIVE

حرکت کردن

دیروز اتوبوس ساعت شش بعد از ظهر حرکت کرد .

اتوبوس چه ساعتی حرکت میکند ؟
چه ساعتی از مانتری حرکت خواهید کرد ؟

باندازه کافی

او باندازه کافی پول دارد .

برای مهمانها باندازه کافی آبجو دارید ؟
خانمتان باندازه کافی لباس زمستانی دارد ؟

برعکس

شنیده ام که غذای ایرانی دوست ندارید ؟
برعکس از غذای ایرانی خیلی خوشم میآید .

صبحها دیر از خواب بیدار میشوید ؟
نه ، برعکس خیلی زود از خواب بیدار میشوم .

درس امروز خیلی آسان است ؟
نه ، برعکس خیلی مشکل است .

گم کردن

دیروز دوستم کیفش را گم کرد .

کدام کتابتان را گم کردید ؟
کی کیفش را گم کرد ؟

CARTOON FORTY-FIVE

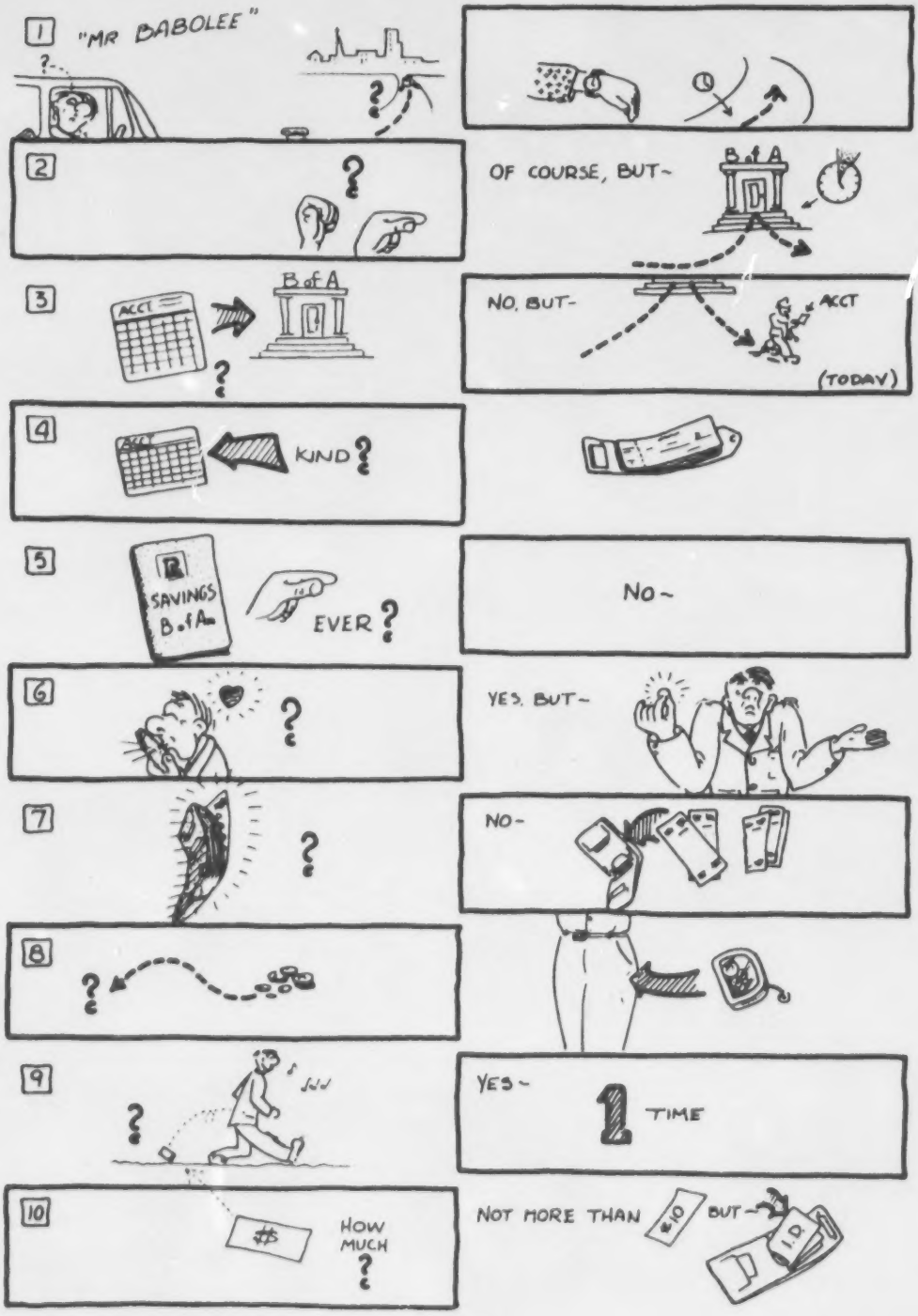

70

DIALOGUE FORTY-FIVE

۱ ـ آقای بابلی امروز بشهر میروید ؟
بله ، همین حالا حرکت میکنم .

۲ ـ ممکن است مرا هم ببرید ؟
البته ، ولی سر راه پنج دقیقه در بانك امریکا کار دارم .

۳ ـ در بانك امریکا حساب دارید ؟
نه هنوز ، ولی امروز یك حساب باز میکنم .

٤ ـ چه جور حسابی باز میکنید ؟
حساب جاری باز میکنم .

٥ ـ هیچوقت حساب پس انداز داشته اید ؟
نه ، من تا حالا حساب پس انداز نداشته ام .

٦ ـ حساب پس انداز را دوست ندارید ؟
چرا ، دوست دارم اما پول باندازه کافی ندارم .

۷ ـ همیشه در کیفتان پول نقد زیاد میگذارید ؟
نه ، بر عکس، هیچوقت بیشتر از دو سه دولار در کیفم نمیگذارم .

۸ ـ پول خرد را در کجا میگذارید ؟
پول خرد را در کیف چرمی کوچك در جیب شلوارم میگذارم .

۹ ـ آیا تا بحال کیف پولتان را گم کرده اید ؟
بله ، فقط یك مرتبه کیف پولم را گم کرده ام .

۱۰ ـ چقدر پول توی آن بود ؟
فقط ده دلار بود، ولی شناسنامه و مدارك دیگر در آن بود .

D I A L O G U E F O R T Y - F I V E

Translation

1. Mr. Babolee are you going to town today?

   Yes, I am leaving right now.

2. Will you take me along?

   Of course, but I have to stop at the Bank of America for a few minutes on the way.

3. Do you have an account at the Bank of America?

   Not yet, but I'll open one today.

4. What kind of an account will you open?

   I'll open a checking account.

5. Have you ever had a savings account?

   No, I have not had a savings account so far (until now).

6. Don't you like a savings account?

   Yes, I do, but I don't have enough money.

7. Do you always carry (put) much cash in your wallet?

   No, on the contrary, I never carry (put) more than two or three dollars in my wallet.

8. Where do you put the change?

   I put the change in a coin purse in my trousers' pocket.

9. Have you ever lost your wallet?

   Yes, I've lost it only once.

10. How much money did you have in it ?

    There was only ten dollars, but my I.D. card and other papers were in it also.

GRAMMAR DRILL FORTY-FIVE

۱ ــ شما همین حالا حرکت میکنید ؟
۲ ــ دوستتان همین حالا میرسد ؟
۳ ــ ایشان همین حالا میروند ؟
٤ ــ همه شاگردان همین حالا آمدند ؟
٥ ــ دیشب چه ساعتی هواپیما حرکت کرد ؟
٦ ــ فردا چه ساعتی حرکت خواهید کرد ؟
۷ ــ ایشان یك ربع به شش حرکت کردند ؟
۸ ــ چه ساعتی از مانتری حرکت کردید ؟
۹ ــ شما در کدام بانك حساب دارید ؟
۱۰ ــ او چند جور حساب در بانك دارد ؟
۱۱ ــ کی میخواهید حساب باز کنید ؟
۱۲ ــ در کجا میخواهید حساب باز کنید ؟
۱۳ ــ حساب جاری باز کردید یا حساب پس انداز ؟
۱٤ ــ دوست شما چه نوع حسابی باز کرده است ؟
۱٥ ــ ایشان حساب جاری باز کرده اند ؟
۱٦ ــ کی حساب پس انداز باز کرده است ؟
۱۷ ــ شما باندازه کافی پول دارید ؟
۱۸ ــ او درسش را باندازه کافی خوانده است ؟
۱۹ ــ شما باندازه کافی لباس دارید ؟
۲۰ ــ چند اسکناس پنج دولاری در کیفتان هست ؟
۲۱ ــ او اسکناس بیست دولاری در کیفش میگذارد ؟
۲۲ ــ کی اسکناس در کیفش ندارد ؟
۲۳ ــ شما پول خرد دارید ؟
۲٤ ــ او چقدر پول خرد در جیبش دارد ؟
۲٥ ــ کجا پولتان را خرد کردید ؟

GRAMMAR DRILL FORTY-FIVE

۲۶ ـ اسکناس بیست دلاری را در بانک خرد کردید ؟

۲۷ ـ او چند کیف چرمی خریده است ؟

۲۸ ـ شما کیف چرمیتان را در اروپا خریده اید ؟

۲۹ ـ پول خود را در کیف کوچک چرمیتان گذاشتید ؟

۳۰ ـ آیا تا بحال کیفتان را گم کرده اید ؟

۳۱ ـ چقدر پول گم کردید ؟

۳۲ ـ او کیفش را کی گم کرد ؟

۳۳ ـ دوستتان چقدر پول گم کرد ؟

۳۴ ـ شما شناسنامه تان را توی کیفتان میگذارید ؟

۳۵ ـ مدارک دیگر را کجا میگذارید ؟

۳۶ ـ او مدارک مهمش را در بانک گذاشته است ؟

۳۷ ـ چند دلار توی جیبتان گذاشتید ؟

۳۸ ـ دیروز پنج دولار توی جیبتان گذاشتید ؟

۳۹ ـ آن کتاب را از روی میز بر داشتید ؟

۴۰ ـ کی بشقاب ها را از روی میز بر داشت ؟

۴۱ ـ فنجان قهوه را بر داشتید ؟

۴۲ ـ این قلم را از کجا بر داشتید ؟

۴۳ ـ میتوانید کتابها را از روی میز بر دارید ؟

۴۴ ـ میخواهید کتابتان را بر دارید ؟

۴۵ ـ اگر کتابش را از روی میز بر دارد آنرا کجا میگذارد ؟

۴۶ ـ شما اصلاً دوست ندارید بسینما بروید ؟ بر عکس، از رفتن به سینما خیلی خوشم میآید .

۴۷ ـ شما از هوای سرد خوشتان میآید ؟ بر عکس، من از هوای سرد خیلی بدم میآید. *

۴۸ ـ نظر شما بر عکس نظر اوست ؟ to dislike : بد آمدن *

آقای بابلی در بانک دو جور حساب دارد یکی حساب جاری و دیگری حساب پس انداز . من هم معمولاً چون پول نقد زیاد در کیفم نمیگذارم، حساب جاری باز کرده ام . دیروز کیف پولم را گم کردم . در آن شناسنامه و مدارک دیگر و یک اسکناس ده دلاری بود .

چون پول نقد باندازه کافی برای نهار و کارهای دیگر نداشتم، آقای بابلی مرا ببانک برد و از حساب جاری ام پول گرفتم . اگر پول بیشتری لازم داشته باشم باید از حساب پس اندازم بردارم .

READING FORTY-FIVE

Questions on reading:

۱ ـ آقای بابلی چند جور حساب دارد ؟

۲ ـ آقای بابلی فقط حساب جاری دارد ؟

۳ ـ من کی کیف پولم را گم کردم ؟

٤ ـ در کیف پولم چه چیزهائی بود ؟

٥ ـ من معمولاً زیاد پول نقد در کیفم میگذارم ؟

٦ ـ دیروز کی مرا به بانك برد ؟

۷ ـ دیروز چرا ببانك رفتم ؟

۸ ـ دیروز از کدام حسابم پول گرفتم ؟

۹ ـ دیروز وقتی کیفم را گم کردم در آن چقدر اسکناس داشتم ؟

۱۰ ـ بجز پول در کیفم چه چیزهای دیگری بود ؟

HOMEWORK FORTY-FIVE

Complete the following sentences by filling in the blanks with the appropriate form of verbs. For each sentence the infinitive of the verb to be used is written in perenthesis:

Example:

دیروز بمنزل دوستم رفتم. (رفتن)

۱ـ مادر شوهر و پدر شوهر او یك مغازه لباس‌فروشی ـــــــ. (داشتن)

۲ـ من از ملاقات ایشان ـــــــ ـــــ. (خوشحال شدن)

۳ـ آقای تهرانی خانمش‌را بمن ـــــــ ـــــ. (معرفی کردن)

٤ـ من دخترم را همراه خودم بسینما ـــــــ. (بردن)

٥ـ او خیال دارد یك دوربین خوب ـــــــ. (خریدن)

٦ـ کفش‌شما مثل کفش‌آقای اکبری ـــــــ. (بودن)

۷ـ من تا بحال دو مرتبه به اروپا ـــــــ ـــــ. (مسافرت‌کردن)

۸ـ ایشان تازه از اروپا ـــــــ. (برگشتن)

VOCABULARY FORTY-FIVE

هَمین حالا	right now
حَرکَت کَردَن	to move, to leave
اتوبوس ساعت چهار حرکت میکند	the bus leaves at four o'clock
حساب داشتن	to have an account
حساب باز کردن	to open an account
حساب جاری	checking account
حساب پس انداز	savings account
باندازهٔ کافی	enough, sufficient
پولِ نَقد	cash
اِسکِناس	bills (paper money)
جیب	pocket
جیبِ بَغَل	inside coat pocket
پولِ خُرد	change
چَرم	leather
گُم کَردَن	to lose
یك اسکناس ۲۰ دلاری گُم کردم	I lost a twenty dollar bill
شِناسنامِه	Identification paper
مَدارِك	documents
تو	in, inside, within
دو دلار توی جیبَم دارَم	I have two dollars in my pocket
بَر داشتَن	to pick up, to lift
او کیفش را از روی میز بَر داشت	He picked up his wallet from the table
بَر عَکس	on the contrary, opposite

LESSON FORTY-SIX

PERCEPTION DRILL FORTY-SIX

تصمیم گرفتن

من تصمیم گرفته ام از امشب درس بخوانم .
تصمیم گرفته اید شبی چند ساعت درس بخوانید ؟
او تصمیم گرفت که امشب بمدرسه برود ؟
برای هفته دیگر چه تصمیم گرفته اید ؟

درد گرفتن

همین الان سرم درد گرفت .
وقتی زیاد میخورید دلتان درد میگیرد ؟
دیشب باز دلتان درد گرفت ؟
اگر سرما بخورید سرتان هم درد میگیرد ؟

شنا کردن

من روزی یك ساعت شنا میکنم .
شما هر روز شنا میکنید ؟
دوست شما خوب شنا میکند ؟
تا بحال شنا کرده اید ؟

PERCEPTION DRILL FORTY-SIX

Past Perfect

رفته بودم - I had gone

Infinitive	رفتن
Past participle	رفته
Past perfect	رفته بودم

رفته بودم
رفته بودی
رفته بود
رفته بودیم
رفته بودید
رفته بودند

دیروز خدمت رسیدم منزل نبودید .
خیلی متأسفم ، به سینما رفته بودم ؟

به کدام سینما رفته بودید ؟
به سینمای کارمل رفته بودم .

دخترتان هم با شما به سینما آمده بود ؟
بله ، او هم با من بسینما آمده بود .

CARTOON FORTY-SIX

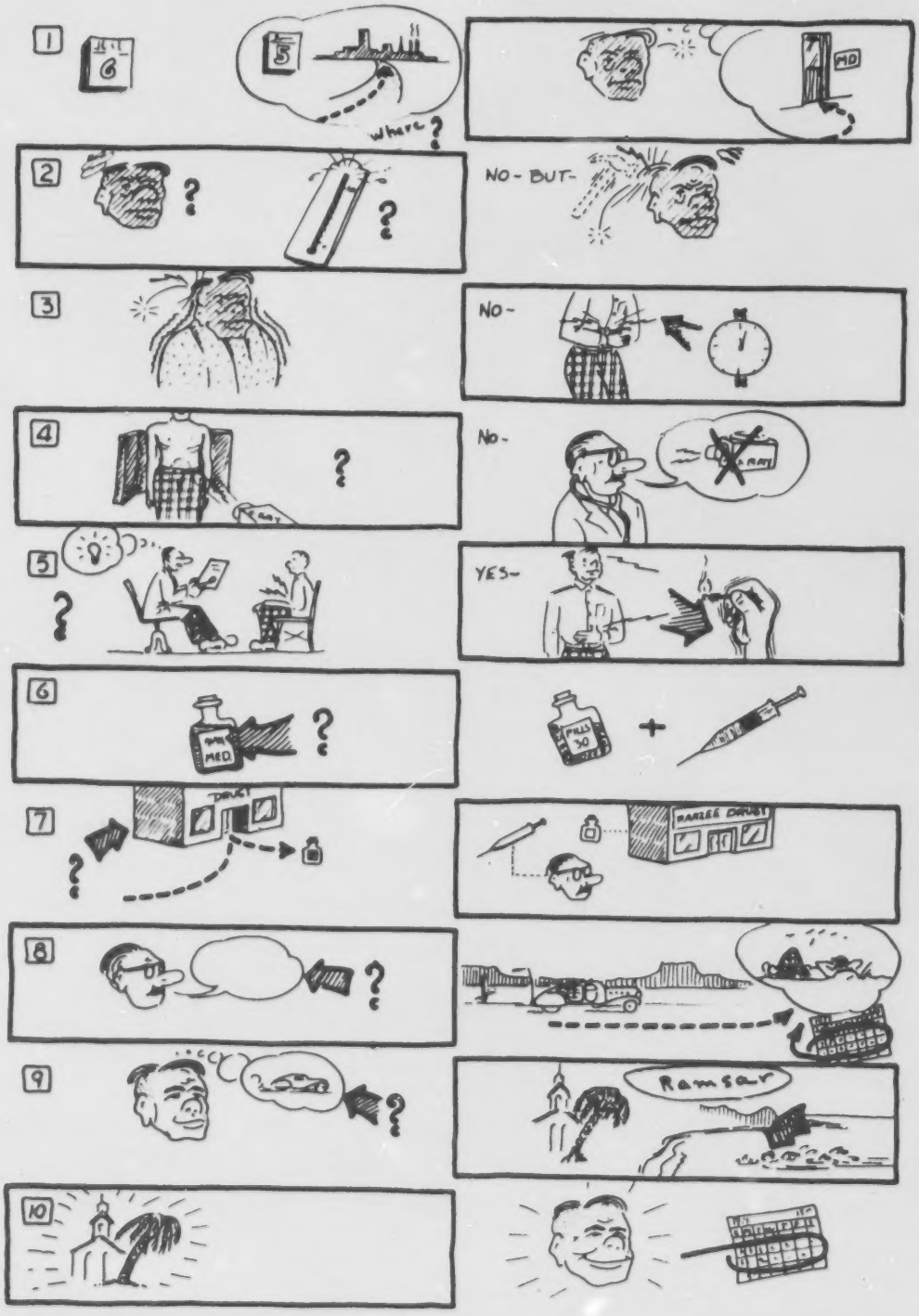

DIALOGUE FORTY-SIX

۱ ــ دیروز عصر کجا رفته بودید ؟
چون مریض بودم رفته بودم پیش دکتر .

۲ ــ چه کسالتی داشتید ؟ تب داشتید ؟
نه ، تب نداشتم . ولی سرم درد میکرد .

۳ ــ سرما خوردگی داشتید ؟
نه ، سرما خوردگی نداشتم . ولی دلم نیمساعت به نیمساعت درد میگرفت .

٤ ــ دکتر از دلتان عکس برداشت ؟
نه ، گفت عکس برداری لازم نیست .

٥ ــ علت دل درد شما را فهمید ؟
بله ، گفت علت آن عصبانیت است .

٦ ــ چه دوائی بشما داد ؟
سی تا قرص داد و یك آمپول هم زد .

۷ ــ دوا را از کدام دواخانه خریدید ؟
آمپول را خود دکتر داشت ، اما قرص‌ها را از دواخانه رازی خریدم .

۸ ــ دستور دیگری هم بشما داد ؟
بله ، گفت بمسافرت بروم و مدت دو هفته استراحت کنم .

۹ ــ در باره مسافرت چه تصمیمی گرفته اید ؟
تصمیم گرفته ام به رامسر بروم و هر روز شنا کنم .

۱۰ ــ میگویند رامسر جای خیلی زیبائیست . راست است ؟
بله و بدون شك این مسافرت در حال من موثر خواهد بود .

D I A L O G U E F O R T Y - S I X

Translation

1. Where had you gone yesterday afternoon?

   I had gone to the doctor because I was sick.

2. What was the trouble? Did you have a fever?

   No, I didn't have a fever, but my head ached.

3. Did you have a cold?

   No, I didn't have a cold, but my stomach hurt every half hour.

4. Did the doctor take an X-ray of your stomach?

   No. He said an X-ray was not necessary.

5. Did he find out the cause of your stomach ache?

   Yes, he said the cause of it is nervousness.

6. What kind of medicine did he give you?

   He gave thirty pills and also an injection.

7. What pharmacy did you buy the medicine from?

   The doctor had the ampule but I bought the pills from Raazee pharmacy.

8. Did he prescribe (order) anything else?

   Yes, he told me to take a trip and rest for two weeks.

9. What have you decided about the trip?

   I have decided to go to Ramsar and swim every day.

10. They say Ramsar is a beautiful place. Is it true?

    Yes. Undoubtedly this trip will be effective for me (my condition).

GRAMMAR DRILL FORTY-SIX

۱ ـ دیروز کجا رفته بودید ؟
۲ ـ او دیروز پیش دکتر رفته بود ؟
۳ ـ ایشان برای خرید رفته بودند ؟
٤ ـ دوستتان مریض است ؟
٥ ـ شما مریض دکتر جونز هستید ؟
٦ ـ دکتر امروز خیلی مریض داشت ؟
۷ ـ دیروز دکتر چند مریض را دید ؟
۸ ـ شما دیشب مریض بودید ؟
۹ ـ او دیشب تب داشت ؟
۱۰ ـ او چند درجه تب داشت ؟
۱۱ ـ چند روز است سرتان درد گرفته است ؟
۱۲ ـ دندان شما درد میکند ؟
۱۳ ـ دیروز دندان او درد میکرد ؟
۱٤ ـ از دیروز تا حالا سرتان درد میکند ؟
۱٥ ـ او هر روز صبح سرش درد میگیرد ؟
۱٦ ـ چرا سر او هر روز درد میگیرد ؟
۱۷ ـ کی سرش درد گرفته است ؟
۱۸ ـ بچه شما سرش درد میکند ؟
۱۹ ـ بدون شك روز شنبه به سانفرانسیسکو خواهید رفت ؟
۲۰ ـ بدون شك به دیدن او خواهید رفت ؟
۲۱ ـ بدون شك فردا به بانك خواهید رفت ؟
۲۲ ـ دکتر از دل شما عکس بر داشت ؟
۲۳ ـ دکتر گفت شما باید از دلتان عکس بر دارید ؟
۲٤ ـ علت دل درد شما چیست ؟
۲٥ ـ بچه علت میخواهید بسانفرانسیسکو بروید ؟

۲۶ ـ بچه علت او امروز بمدرسه نیآمده است ؟

۲۷ ـ علت سر دردتان را بدکتر گفتید ؟

۲۸ ـ چرا او دیشب دیر بمهمانی آمد ؟

۲۹ ـ علت دیر آمدن او چه بود ؟

۳۰ ـ او از این موضوع عصبانی شد ؟

۳۱ ـ علت سر درد دوستتان عصبانیت است ؟

۳۲ ـ چرا او زود عصبانی میشود ؟

۳۳ ـ دکتر برای کسالتتان چه دوائی داد ؟

۳۴ ـ قرص آسپرین برای سر درد خوب است ؟

۳۵ ـ دیشب چند قرص آسپرین خوردید ؟

۳۶ ـ دکتر بشما آمپول زد ؟

۳۷ ـ آمپول را هم از دواخانه خریدید ؟

۳۸ ـ قرصها را از کدام دواخانه خریدید ؟

۳۹ ـ او قرص و آمپول را از دواخانه نزدیك منزلش خرید ؟

۴۰ ـ کجا شنا کردن را یاد گرفتید ؟

۴۱ ـ چند سال داشتید که شنا کردن را یاد گرفتید ؟

۴۲ ـ معمولا برای شنا کجا میروید ؟

۴۳ ـ دوست شما خیلی خوب شنا میکند ؟

۴۴ ـ شنا ورزش خوبی است ؟

۴۵ ـ تصمیم گرفته اید بمسافرت بروید ؟

۴۶ ـ کی برای این موضوع تصمیم میگیرد ؟

۴۷ ـ او تصمیم گرفته است امشب بسینما برود ؟

۴۸ ـ شنا ورزش مؤثری است ؟

۴۹ ـ دوای دکتر مؤثر بود ؟

۵۰ ـ تمرین برای یاد گرفتن زبان کمك مؤثری است ؟

دیروز دوستم سرش خیلی درد میکرد و تب هم داشت . چون اتومبیل نداشت ، بمن تلفن کرد تا اورا پیش دکتر ببرم . ساعت ده با او پیش دکتر رفتم . دکتر به دوستم گفت که سرماخوردگی ندارد و کسالتش بعلت عصبانیت است . باو دستور داد که استراحت کند و پس از اینکه حالش بهتر شد چند روزی برای شنا و استراحت به رامسر برود . چند قرص هم باو داد ولی چون علّت کسالتش عصبانیت بود دکتر گفت استراحت برایش از دوا مؤثرتر خواهد بود .

READING FORTY-SIX

Questions on reading:

۱ ـ دیروز دوستم چه کسالتی داشت ؟

۲ ـ او بچه وسیله پیش‌دکتر رفت ؟

۳ ـ من چه ساعتی با او پیش‌دکتر رفتم ؟

٤ ـ دکتر به دوستم چه گفت ؟

٥ ـ علت کسالت او چه بود ؟

٦ ـ دکتر باو چه دستوری داد ؟

۷ ـ کسالت او از عصبانیت بود ؟

۸ ـ او سرما خورده بود ؟

۹ ـ دکتر باو قرص داد ؟

۱۰ ـ دکتر گفت برای استراحت به کدام شهر برود ؟

HOMEWORK FORTY-SIX

Read the following sentences carefully and change them into the plural form.

Example:

من درسم را حاضر کردم .
ما درسمان را حاضر کردیم .

۱ ــ من دیروز کیفِ پولم را گم کردم .

۲ ــ من از حساب پس‌اندازم پول گرفتم .

۳ ــ من در جیبم باندازه کافی پول نقد دارم .

٤ ــ من شناسنامه را در جیبِ بغلم میگذارم .

٥ ــ من همین حالا حرکت میکنم .

٦ ــ من در بانك امریکا حساب دارم .

۷ ــ من کیفم را از روی میز بر داشتم .

۸ ــ من همیشه در جیبم پول خُرد میگذارم .

VOCABULARY FORTY-SIX

رَفته بودَم	I had gone
مَریض	sick (as a noun means "patient")
دوستِ مَن مریضِ دکتر اِسمیت است	my friend is Dr. Smith's patient
مریض بودَن	to be sick
تَب	fever
دَرد گِرفتن	to be hurt, to become painful
هر روز صبح سَرَم دَرد میگیرد	my head hurts every morning
دَرد کَردَن	to ache, to hurt
از دیروز تا حالا سرم دَرد میکُند	I have a headache since yesterday; My head aches since yesterday
دِل	heart, (colloquial: the stomach)
عَکس بَرداشتَن	to photograph, to X-ray
عِلَت	reason
عِلَتِ دیر آمدن شما چیست ؟	what is the reason of your coming late; (Why are you late?)
عَصَبانی ، عَصَبانی شُدَن	nervous; to become nervous, to get angry
عَصَبانیَت	nervousness, anger
دَوا	medicine
دَوا خانه	pharmacy
قُرص	pill
آمپول زَدَن	to give an injection
شِنا کَردَن	to swim
تَصمیم گِرفتَن	to decide
مؤثِر	effective
مؤثِر بودَن	to be effective
بِدونِ شَك	undoubtedly
دَر بارهِ	about

LESSON FORTY-SEVEN

PERCEPTION DRILL FORTY-SEVEN

۱ ـ اِجازِه دادَن ، اِجازِه فَرمودَن

اجازه میدهید یك سوال بکنم ؟ با کمال میل ، بفرمائید .
اجازِه میفَرمائید یك سوال بکنم ؟ با کمال میل ، بفرمائید .
اگر اجازه بِفَرمائید امشب خدمتتان میرسم ؟ با کمال میل تشریف بیاورید ، منزل خودتان است .

۲ ـ مَخلوط کَردَن

برای درست کردن غذای ایرانی برنج و گوشت را مَخلوط میکُنم .

برای درست کردن سالاد سیب زمینی چه چیزهائی را با هم مَخلوط میکُنید ؟
برای سالاد میوه چه چیزهائی را باید مَخلوط بکنید ؟

۳ ـ عادَت کَردَن

من به سیگار عادَت کَردِه اَم .

شما به چه چیزی عادَت کَردِه اید ؟
شما عادَت کردِه اید شبها زود بخوابید ؟
او به چائی عادَت کَردِه است ؟

PERCEPTION DRILL FORTY-SEVEN

٤ - صدا کردن

معلم شاگردانش را صدا میکند .

او برای چه شما را صدا کرد ؟
چرا دوستتان را صدا کردید ؟
برای چه دخترتان را صدا میکنید ؟

LESSON 47

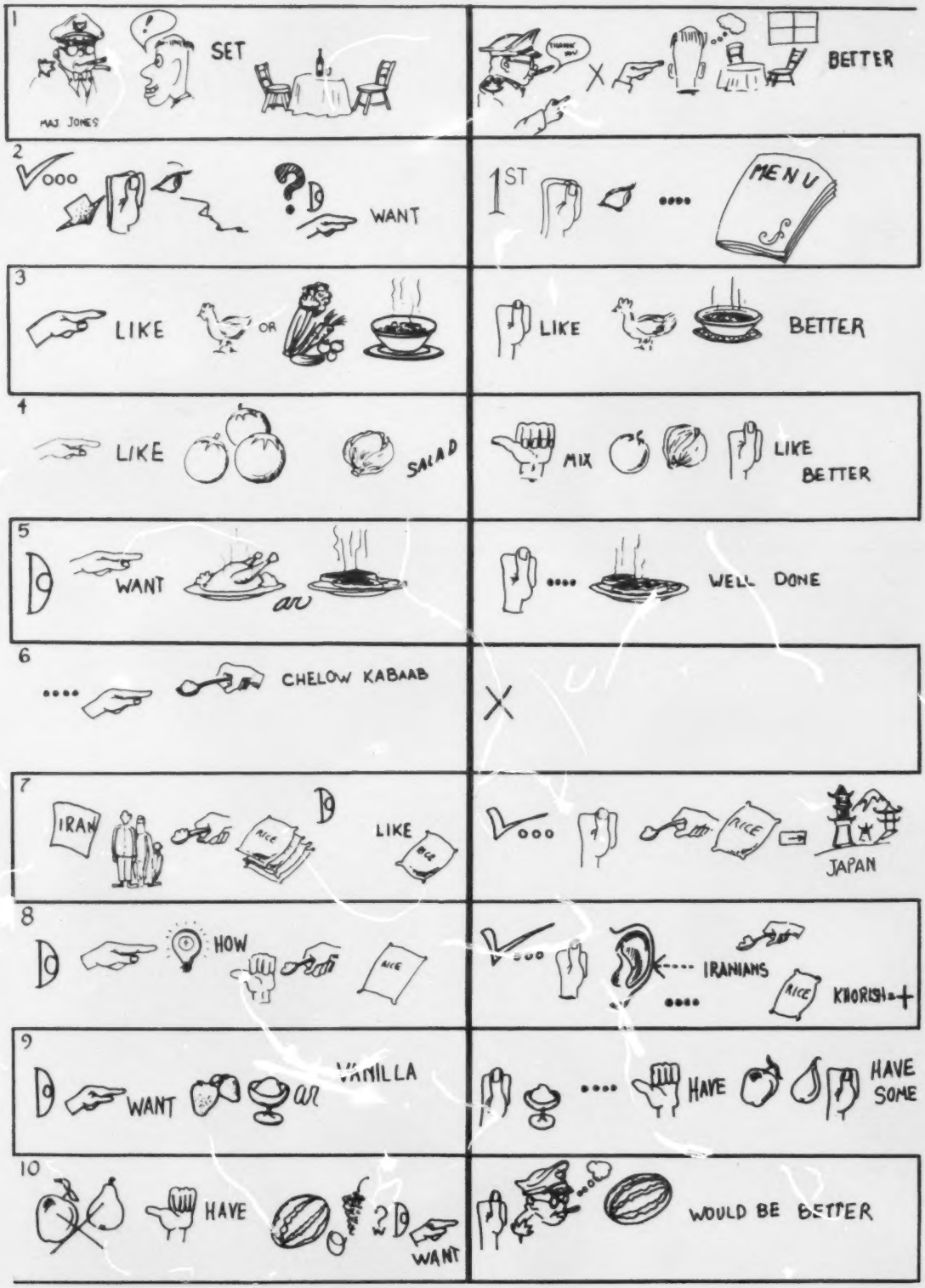
1
MAJ JONES
SET
BETTER
2
WANT
1ST
MENU
3
LIKE
OR
LIKE
BETTER
4
LIKE
SALAD
MIX
LIKE
BETTER
5
WANT
or
WELL DONE
6
CHELOW KABAAB
7
IRAN
RICE
LIKE
RICE
JAPAN
8
HOW
RICE
IRANIANS
RICE
KHORISH
9
WANT
or
VANILLA
HAVE
HAVE SOME
10
HAVE
WANT
WOULD BE BETTER

DIALOGUE FORTY-SEVEN

۱ ــ سرگرد جونز ، بفرمائید سر این میز بنشینید .
متشکرم ، فکر نمیکنید آن میز دم پنجره بهتر باشد ؟

۲ ــ البته ، از آنجا خلیج را هم میتوانیم به بینیم . حالا غذا چه میل دارید ؟
اجازه بفرمائید اول صورت غذا را نگاه کنیم .

۳ ــ سوپ جوجه میخواهید یا سوپ سبزی ؟
من از سوپ جوجه بیشتر خوشم میآید .

٤ ــ سالاد گوجه فرنگی میل دارید یا سالاد کاهو ؟
اگر گوجه فرنگی و کاهو را مخلوط کنند بیشتر دوست دارم .

٥ ــ جوجه سرخ کرده میخواهید یا بیفتك ؟
من بیفتك میخواهم ولی باید خوب پخته باشد .

٦ ــ هیچوقت چلو کباب خورده اید ؟
نه ، من تا بحال چلوکباب نخورده ام .

۷ ــ مردم ایران برنج زیاد میخورند ، شما برنج دوست دارید ؟
بله ، منهم در ژاپن بخوردن برنج عادت کردم .

۸ ــ میدانید که در ایران برنج را چطور میخورند ؟
بله ، شنیده ام ایرانیها برنج را با خورش میخورند و خیلی خوشمزه است .

۹ ــ برای دسر ، بستنی توت فرنگی میخواهید یا وانیل ؟
بستنی نمیخواهم ، اگر سیب یا گلابی داشته باشند میخورم .

۱۰ ــ متأسفانه فقط خربزه و انگور دارند ، کدام را میخواهید ؟
خیال میکنم خربزه بهتر باشد . حالا پیشخدمت را صدا کنیم .

D I A L O G U E F O R T Y - S E V E N

(Translation)

1- Major Jones, please sit at this table.

Thank you, but don't you think that table next to the window would be better.

2- Of course, from there we can also see the bay. Now what would you like to have?

First let's look at the menu.

3- Would you like chicken soup or vegetable soup?

I like chicken soup better.

4- Would you like tomato salad or lettuce salad?

If they mix the tomatoes and the lettuce I will like it better.

5- Do you want fried chicken or beefsteak?

I'll have beefsteak but it must be well done.

6- Have you ever eaten chelow kabaab?

No, until now I have never eaten chelow kabaab.

7- Iranian people eat a lot of rice, do you like rice?

Yes, I became accustomed to eating rice in Japan.

8- Do you know how they eat rice in Iran?

Yes, I have heard that Iranians eat rice with "khoresh" and that it is very delicious.

9- Do you want strawberry ice cream for dessert or vanilla?

I don't want ice cream, if they have apples or pears I'll have some.

10- Unfortunately they only have melons and grapes; which do you want?

I think melon would be better. Now let's call the waiter.

GRAMMAR DRILL FORTY-SEVEN

۱ ــ اجازه میفرمائید پهلوی شما بنشینم ؟
۲ ــ او اجازه میدهد سر میزش بنشینم ؟
۳ ــ اجازه داریم که در کلاس سیگار بکشیم ؟
٤ ــ بدخترتان اجازه دادید که امشب بسینما برود ؟
٥ ــ او از کی اجازه گرفت ؟
٦ ــ خانمتان هم باو اجازه داد ؟
۷ ــ روزی چند مرتبه بآینه نگاه میکنید ؟
۸ ــ امروز صبح بآینه نگاه کردید ؟
۹ ــ از نگاه کردن بآن عکس خوشتان میآید ؟
۱۰ ــ چرا بمن نگاه میکنید ؟
۱۱ ــ چرا چپ چپ بمن نگاه میکنید ؟
۱۲ ــ سرخ کردن جوجه مشکل است ؟
۱۳ ــ جوجه سرخ کرده دوست دارید ؟
۱٤ ــ پیاز سرخ کرده چطور ؟ آن را هم دوست دارید ؟
۱٥ ــ خانمتان برای غذا پیاز سرخ میکند ؟
۱٦ ــ بعد پیاز سرخ کرده را با غذا مخلوط میکند ؟
۱۷ ــ سالاد گوجه فرنگی و کاهو دوست دارید ؟
۱۸ ــ برای دسر بستنی میوه میل دارید ؟
۱۹ ــ بستنی توت فرنگی میخواهید یا وانیل ؟
۲۰ ــ از بستنیِ میوه خوشتان میآید ؟
۲۱ ــ شما تا بحال در ژاپن بوده اید ؟
۲۲ ــ مردم ژاپن زیاد برنج میخورند ؟
۲۳ ــ مردم ژاپن بخوردن برنج عادت کرده اند ؟
۲٤ ــ عادت دارید که با غذا مشروب بخورید ؟
۲٥ ــ عادت دارید که روزی نیمساعت ورزش بکنید ؟

GRAMMAR DRILL FORTY-SEVEN

۲۶ ـ شما چه عادتی دارید ؟

۲۷ ـ او عادت دارد زیاد حرف بزند ؟

۲۸ ـ مردم امریکا عادت دارند زود شام بخورند ؟

۲۹ ـ مردم ایران چلو را با خورش میخورند ؟

۳۰ ـ شما تا بحال چلو خورش خورده اید ؟

۳۱ ـ چلو کباب چطور ؟

۳۲ ـ چلو کباب خوشمزه تر است یا چلو خورش؟

۳۳ ـ سوپ سبزی خوشمزه تر است یا سوپ جوجه ؟

۳۴ ـ تا حالا سوپ گوجه فرنگی خورده اید ؟

۳۵ ـ با صبحانه آب گوجه فرنگی میخورید ؟

۳۶ ـ میل دارید نهار را با هم بخوریم ؟

۳۷ ـ مایلید برستوران کنار خلیج مانتری برویم ؟

۳۸ ـ اسم رستوران کنار خلیج مانتری را میدانید ؟

۳۹ ـ همه رستوران ها صورت غذا دارند ؟

۴۰ ـ برای دادن دستور غذا پیشخدمت را صدا کردید ؟

۴۱ ـ دوستتان شما را چه صدا میکند ؟

۴۲ ـ در منزل ، پدرتان را چه صدا میکنید ؟

۴۳ ـ کی من را صدا کرد ؟

۴۴ ـ چرا او را صدا کردید ؟

۴۵ ـ در چه فصلی میوه زیاد است ؟

۴۶ ـ در تابستان گلابی و سیب هم زیاد است ؟

۴۷ ـ مردم امریکا خربزه میخورند ؟

۴۸ ـ میدانید که خربزه های "مشهد" خیلی شیرین است ؟

۴۹ ـ از انگور شراب درست میکنند ؟

۵۰ ـ دوستتان شراب انگور دوست دارد ؟

دیشب سرهنگ جونز و خانمش برای شام مهمانِ آقایِ راد بودند. خانمِ راد برایِ شام چلوکباب و جوجهِ سرخ کرده وسوپِ سبزی تخته بود. او گوجه فرنگی وکاهو و پیاز را مخلوط کرده و سالادِ خوشمزه ای درست کرده بود.

سرهنگ جونز چون در ژاپن خوردنِ برنج عادت کرده است چلوکباب خورد ولی خانمِ جونز چون بغذایِ ایرانی عادت نداشت بیشتر جوجه خورد.

خانمِ راد برایِ دسر بستنیِ توت فرنگی درست کرده بود و همچنین* میوه هایِ تازه مثلِ سیب، گلابی و انگور را در ظرفی چیده و رویِ میز گذاشته بود. بعد از خوردنِ دسر همه باطاقِ دیگر رفتند و به صفحه هایِ ایرانی گوش دادند.

سرهنگ جونز و خانمش ساعتِ ده بمنزل مراجعت کردند.

* همچنین : also

READING FORTY-SEVEN

Questions on reading:

۱ ــ سرهنگ جونز و خانمش مهمان کی بودند ؟

۲ ــ خانم راد برای شام چه درست کرده بود ؟

۳ ــ او چه سوپی پخته بود ؟

٤ ــ خانم راد سالاد هم درست کرده بود ؟

٥ ــ سرهنگ جونز چه غذائی خورد ؟

٦ ــ خانم جونز چه خورد ؟

۷ ــ برای دسر چه داشتند ؟

۸ ــ خانم جونز چه نوع میوه هائی روی میز گذاشته بود ؟

۹ ــ بعد از شام چه کردند ؟

۱۰ ــ سرهنگ جونز و خانمش کی بمنزل رفتند ؟

HOMEWORK FORTY-SEVEN

Read the following sentences carefully and change the separable pronouns into inseparable pronouns.

Example:

کتاب او روی میز است .
کتابش روی میز است .

۱ ـ دکتر از دل او عکس بر داشت .

۲ ـ علت عصبانیت شما چیست ؟

۳ ـ دکتر برای سر درد شما آسپرین داد ؟

٤ ـ این دوا برای سر درد من موثر بود .

٥ ـ دل او نیمساعت به نیمساعت درد میگرفت .

٦ ـ مسافرت ما فقط برای یك هفته است .

۷ ـ من بدون شك بدیدن ایشان خواهم رفت .

۸ ـ درباره این مسافرت تصمیم شما چیست ؟

VOCABULARY FORTY-SEVEN

خَلیج	gulf, bay
اِجازه دادَن ، اجازه فَرمودَن	to permit, to allow
صورتِ غذا	menu
نِگاه کَردَن	to look
سوپ سَبزی	vegetable soup
گوجه فَرَنگی	tomato
کاهو	lettuce
مَخلوط کَردَن	to mix
سُرخ کَردَن	to fry
سُرخ کَردِه	fried
چلو کَباب	chello kabaab
مَردُم	people
ژاپُن	Japan
عادَت کَردَن	to get the habit of, to become accustomed to.
خورِش (خورشت)	stew, usually served with boiled rice
خوشمَزه	tasty, delicious
توت فَرَنگی	strawberry
وانیل	vanilla
سیب	apple
گُلابی	pears
خَربُزه	Persian Melon
اَنگور	grape
صِدا کَردَن	to call
چلو	boiled rice
اجازه گرفتن	to ask permission
اجازه داشتن	to have permission

LESSON FORTY-EIGHT

PERCEPTION DRILL FORTY-EIGHT

حتم داشتن

حتم دارم که او رفته است .
حتم دارید که این پول کافیست ؟
او حتم ندارد که میآید یا نه .
حتم دارم که خوشتان میآید .

لذت بُردَن

من از غذای خوب لذت میبرم .
حتم دارم که از این فیلم لذت میبرید .
از این مسافرت خیلی لذت بردیم .
از نهار لذت بردید ؟

بایَد گِرفت

هر روز باید حمام گرفت .
برای رفتن بمطب دکتر باید وقت گرفت .
برای بیرون رفتن از کلاس باید اجازه گرفت ؟

PERCEPTION DRILL FORTY-EIGHT

گردِش‌کردَن

روزی یکساعت گردش میکنم .
کجا گردش بکنیم ؟
کمی گردش بکنیم .
روز یکشنبه برای گردش‌کردن خوب است .

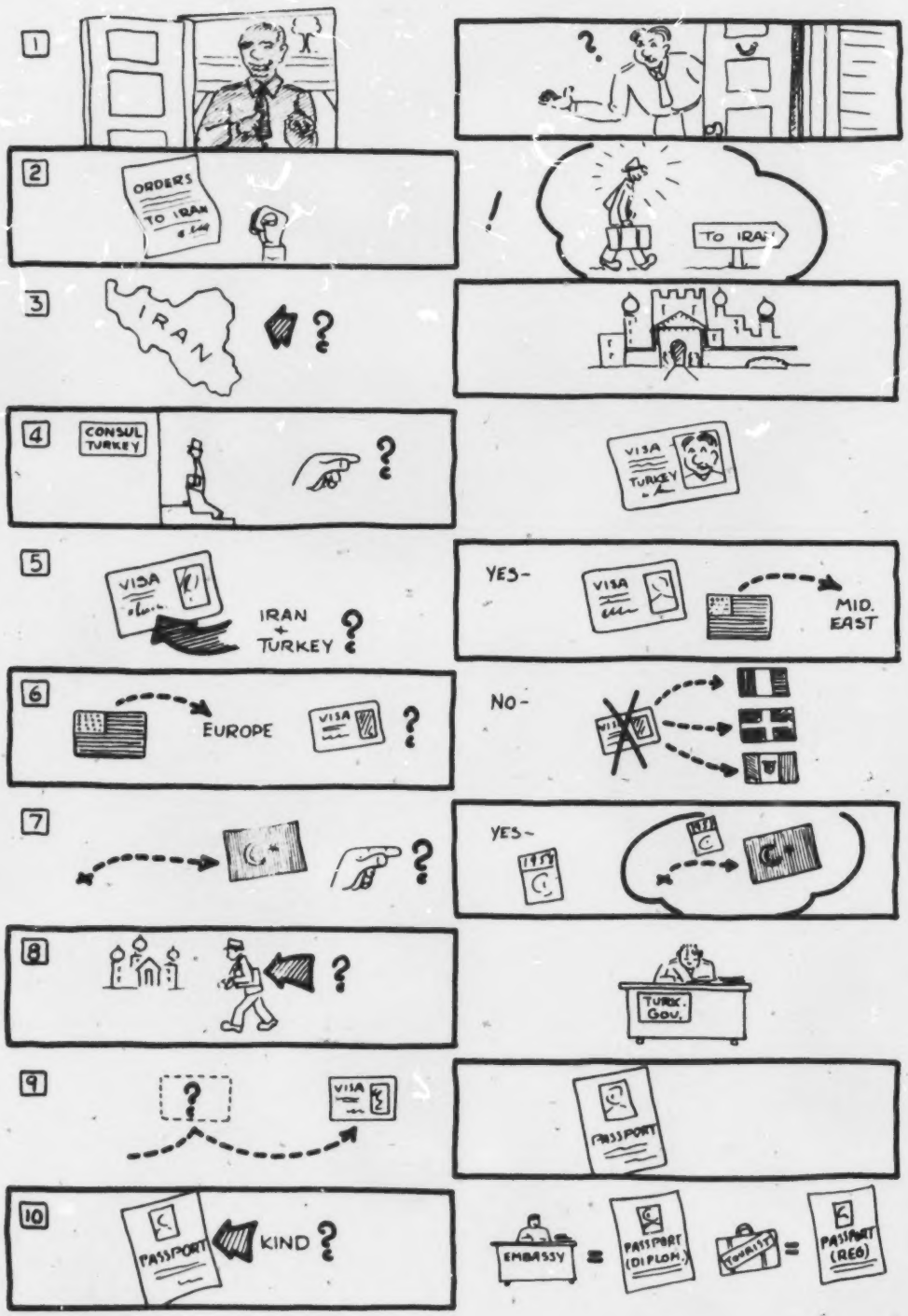
1
2
ORDERS TO IRAN
!
TO IRAN
3
IRAN
4
CONSUL TURKEY
VISA TURKEY
5
VISA
IRAN + TURKEY
YES-
VISA
MID. EAST
6
EUROPE
VISA
NO-
7
YES-
8
TURK. GOV.
9
VISA
PASSPORT
10
PASSPORT
KIND
EMBASSY
=
PASSPORT (DIPLOM.)
TOURIST
=
PASSPORT (REG)

DIALOGUE FORTY-EIGHT

۱ ــ اجازه میفرمائید بیایم تو ؟
بله ، بفرمائید ، خبر تازه چه دارید ؟

۲ ــ من حکم را گرفته ام و بزودی بایران میروم .
خیلی خوشحالم ، حتم دارم که از این مسافرت لذت خواهید برد .

۳ ــ ایران چطور کشوریست ؟
ایران کشوری قدیمی است و بناهای تاریخی دارد .

٤ ــ راستی دیروز شما را در کنسولگری ترکیه دیدم ، آنجا چه میکردید ؟
میخواستم روادید بگیرم . منهم به ترکیه میروم .

٥ ــ هر کس که بایران و ترکیه میرود باید روادید بگیرد ؟
بله ، برای رفتن بکشورهای خاور میانه باید روادید گرفت .

٦ ــ امریکائیها برای رفتن باروپا باید روادید بگیرند ؟
نه برای فرانسه ، انگلستان و ایتالیا روادید لازم ندارند .

۷ ــ شما تا بحال بترکیه مسافرت کرده اید ؟
بله ، پنج سال پیش در ترکیه بودم .

۸ ــ وقتی در آنجا بودید چه کاری میکردید ؟
برای دولت ترکیه کار میکردم . ضمنا گردشهم میکردم .

۹ ــ قبل از گرفتن روادید چه باید کرد ؟
باید گذرنامه گرفت .

۱۰ ــ من کارمند سفارت نیستم ، باید چه نوع گذرنامه ای بگیرم ؟
شما باید گذرنامه عادی بگیرید .

D I A L O G U E F O R T Y - E I G H T

(Translation)

1- May I come in?

Please do, what's new?

2- I have received my orders and I am going to Iran soon.

I am very happy. I am sure that you will enjoy this trip.

3- What kind of country is Iran?

Iran is an ancient country and has historical monuments.

4- Yesterday I saw you at the Turkish Consulate, what were you doing there?

I wanted to get a visa. I am going to Turkey.

5- Must every person who is going to Iran and Turkey get a visa?

Yes, for going to countries of the middle east one must get a visa.

6- Must Americans get a visa to go to Europe?

No, for France, England and Italy a visa is not necessary.

7- Have you ever traveled to Turkey?

Yes, I was in Turkey five years ago.

8- When you were there what were you doing?

I was working for the Turkish government. Meanwhile I was also sightseeing.

9- What must one do before getting a visa?

One must get a passport.

10- I do not work for the embassy, what type of passport should I get?

You should get an ordinary passport.

GRAMMAR DRILL FORTY-EIGHT

۱ــ از او خبر دارید ؟
۲ــ باو خبر دادید ؟
۳ــ کی بمن خبر میدهید ؟
٤ــ از حکمتان خبر دارید ؟
٥ــ کی حکمتان را میگیرید ؟
٦ــ حکمتان را گرفته اید ؟
۷ــ بزودی خیال مسافرت دارید ؟
۸ــ فکر میکنید بزودی بایران خواهید رفت ؟
۹ــ میتوانیم بزودی با هم برویم ؟
۱۰ــ حتم دارید که او به ایتالیا میرود ؟
۱۱ــ حتم دارید که این خبر درست است ؟
۱۲ــ حتم دارید که بزودی میآیند ؟
۱۳ــ از این غذا لذت بردید ؟
۱٤ــ از حرف زدن با او لذت بردید ؟
۱٥ــ این کار چه لذتی دارد ؟
۱٦ــ بکدام کشور میروید ؟
۱۷ــ کدام کشور خیلی قدیمیست ؟
۱۸ــ بزودی بکشور ایران میروید ؟
۱۹ــ این بنا قدیمی است ؟
۲۰ــ این بنا تاریخی است ؟
۲۱ــ شما بناهای تاریخی را دوست دارید ؟
۲۲ــ بکنسولگری انگلستان میروید ؟
۲۳ــ کنسولگری ایران در کدام شهر است ؟
۲٤ــ هر کس میتواند بخاور میانه برود ؟
۲٥ــ کدام کشورها در خاور میانه هستند ؟

GRAMMAR DRILL FORTY-EIGHT

۲۶ ـ شما گذرنامه گرفته اید ؟
۲۷ ـ شما گذرنامه سیاسی دارید ؟
۲۸ ـ برای رفتن به ایران روادید دارید ؟
۲۹ ـ برای گردش کدام کشور خوب است ؟
۳۰ ـ برای گرفتن گذرنامه سیاسی چه باید کرد ؟
۳۱ ـ گذرنامه سیاسی مهمتر است یا گذرنامه عادی ؟
۳۲ ـ برای گرفتن گذرنامه عادی چه باید کرد ؟
۳۳ ـ بطور عادی شما چند ساعت میخوابید ؟
۳۴ ـ سیگار کشیدن برای شما عادیست ؟
۳۵ ـ امروز هوا عادیست ؟
۳۶ ـ شما برای دولت کار میکنید ؟
۳۷ ـ من برای دولت امریکا کار میکنم ؟
۳۸ ـ دولت ایران گذرنامه عادی میدهد ؟
۳۹ ـ دولت ایران به کی گذرنامه سیاسی میدهد ؟
۴۰ ـ او کارمند دولت است ؟
۴۱ ـ کارمندان دولت امریکا چند نفرند ؟
۴۲ ـ شما کارمند کدام دولت هستید ؟
۴۳ ـ کارمندان سفارت امریکا چند نفرند ؟
۴۴ ـ سفارت ایران چند نفر کارمند دارد ؟
۴۵ ـ سفارت امریکا در تهران در کدام خیابان است ؟
۴۶ ـ آیا او کارمند سفارت امریکا است ؟
۴۷ ـ این هواپیما چند مسافر دارد ؟
۴۸ ـ مسافرین این هواپیما چند نفرند ؟
۴۹ ـ این مسافرین بکدام کشور میروند ؟
۵۰ ـ مسافرین همه گذرنامه دارند ؟

آقایِ جونز دیشب خبرخوبی داشت . او حکمش را گرفته است و باید به ایران برود . او حتم دارد که از این مسافرت لذّت خواهد برد ، چون میتواند بناهایِ تاریخی و قدیمیِ کشور ایران را ببیند .

آقایِ جونز برای رفتنِ بایران از ترکیه باید بگذرد . به این جهت* باید از کنسولگریِ ترکیه روادید بگیرد . او گذرنامه اش را تا ماه آینده خواهد گرفت .

آقایِ جونز برایِ سفارت کار میکند ، و او باید گذرنامهٔ سیاسی بگیرد . او خیلی میل دارد کشورهایِ فرانسه ، انگلستان و ایتالیا را هم ببیند .

* باین جهت : for this reason

READING FORTY-EIGHT

Questions on reading:

۱ ـ آقای جونز حکمش را گرفته است ؟

۲ ـ او کجا باید برود ؟

۳ ـ او از مسافرت بایران لذت خواهد برد ؟

٤ ـ آقای جونز برای رفتن بایران از کجا باید بگذرد ؟

٥ ـ او از کنسولگری ترکیه روادید میگیرد ؟

٦ ـ او کی گذرنامه اش را میگیرد؟

۷ ـ آقای جونز در کجا کار میکند ؟

۸ ـ او چه نوع گذرنامه ای باید بگیرد ؟

۹ ـ آقای جونز میخواهد کدام کشور را ببیند ؟

۱۰ ـ او میل دارد کشور ایتالیا را هم به بیند ؟

HOMEWORK FORTY-EIGHT

Use each of the following items in a sentence :

Example:

سُرخ کَرده : من جوجه سرخ کرده دوست دارم .

۱ ـ مَردُم

۲ ـ مَخلوط کَرد

۳ ـ عادَت کَرده اَست

٤ ـ صورَتِ غذا

٥ ـ صِدا کَردَم

٦ ـ خوشمَزه

۷ ـ نِگاه کَرد

۸ ـ جُوجه فَرَنگی

VOCABULARY FORTY-EIGHT

خَبَر	information, news
حُکم	order
بِزودی	soon
حَتم داشتَن	to be sure, to be positive
لِذَت، (لِذَت بُردَن)	enjoyment, pleasure;(to enjoy)
کِشوَر	country
قَدیم، قَدیمی	ancient
بَنا (بَناهایِ تاریخی)	building,(historical buildings)
کُنسولگَری	consulate
هَر کَس	anybody, anyone
خاوَرِ میانِه	Middle East
تُرکیِه	Turkey
گُذَرنامِه	Passport
رَوادید	visa
گَردِش	a walk, a promenade, a tour, a trip
چه باید کَرد؟	What must one do?
سِیاسی (گُذَرنامِه سیاسی)	political (diplomatic passport)
عادی (گُذَرنامِه عادی)	regular, ordinary (regular passport)
دولَت	government
کارمَند (کارمَندان)	employee (s)
سِفارَت	embassy
مُسافِرین	travellers
اِنگِلِستان	England
ایتالیا	Italy

LESSON FORTY-NINE

PERCEPTION DRILL FORTY-NINE

آزادانه

اینجا میتوانیم آزادانه حرف بزنیم .
آزادانه حرف بزنید .
کارتان را آزادانه بکنید .
اینجا میتوانم آزادانه درس بخوانم .

بلد بودن

انگلیسی بلدم .
فارسی بلدید؟
تنیس بلد نیستم .
شهر کارمل را خوب بلدم .

طول کشیدن

پختن شام یکساعت طول میکشد .
یکساعت طول میکشد که بآنجا برسم .
کار شما چقدر طول میکشد ؟
مسافرت او چقدر طول کشید ؟

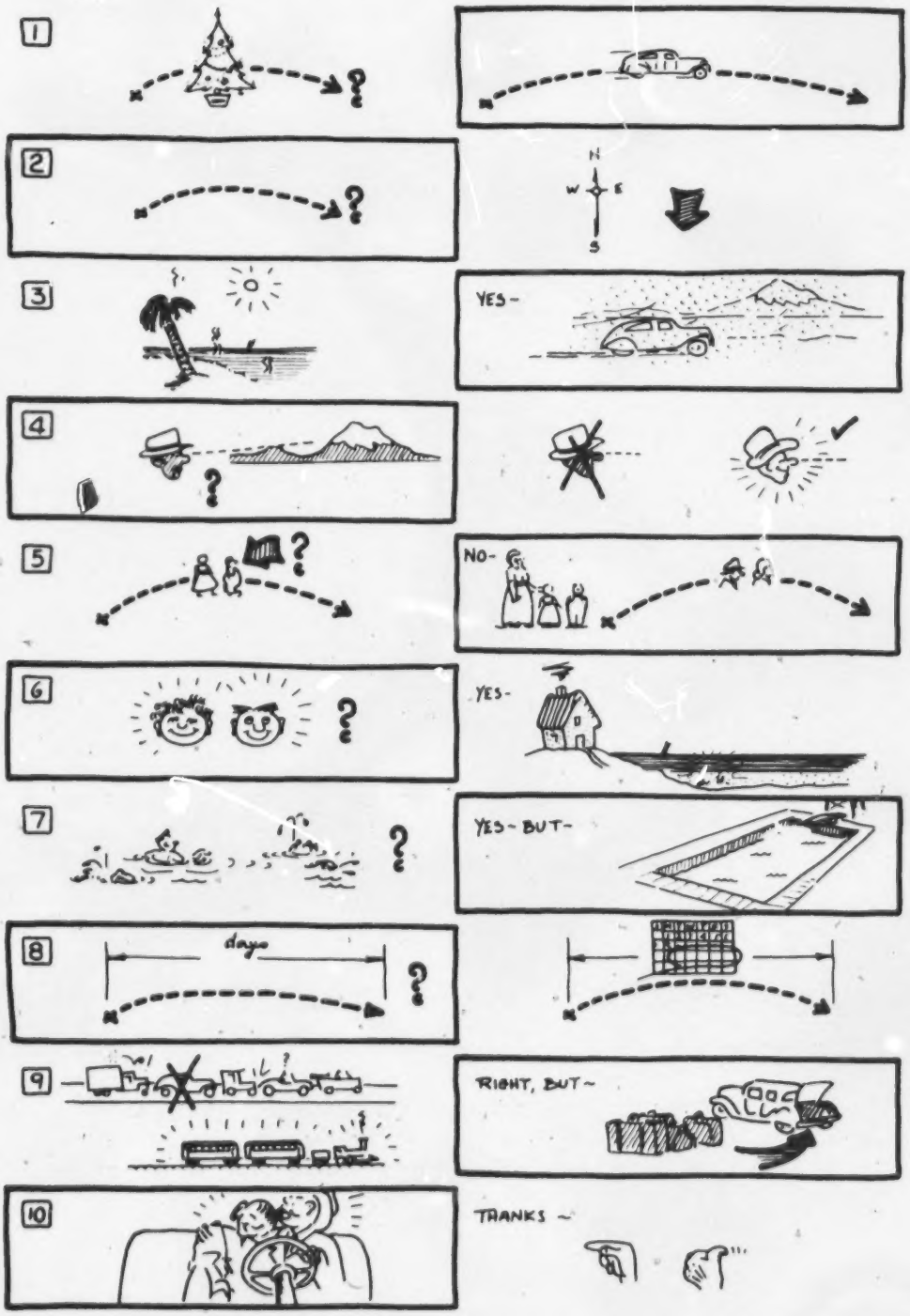
1
2
N
W
E
S
3
YES-
4
5
NO-
6
YES-
7
YES-BUT-
8
days
9
RIGHT, BUT-
10
THANKS -

DIALOGUE FORTY-NINE

۱ ــ برای تعطیلاتِ نوئل چه تصمیمی گرفته اید ؟
تصمیم گرفته ایم بیك مسافرت طولانی برویم .

۲ ــ به کدام طرف خیال دارید بروید ؟
خیال داریم بطرف جنوب برویم .

۳ ــ در زمستان مسافرت بجنوب آسانتر است ؟
بله چون در شمال ممکن است برف بیاید .

٤ ــ مگر شما منظرهٔ کوهستان و برف را دوست ندارید ؟
چرا خیلی دوست دارم اما رانندگی در هوای سرد مشکل است .

٥ ــ در این مسافرت خانم و بچه هارا همراهتان میبرید ؟
خانم البته ، اما بچه ها را در رامسر پیش مادر زنم میگذارم .

٦ ــ بچه ها از این موضوع خوشحالند ؟
بله ، چون در آنجا میتوانند آزادانه بازی کنند .

۷ ــ بچه های شما شنا بلدند ؟
بله ، خوب بلدند ولی فقط در استخر شنا میکنند .

۸ ــ مسافرت شما چند روز طول خواهد کشید ؟
بیشتر از یکی دو هفته طول نخواهد کشید .

۹ ــ در تعطیلات جاده ها شلوغ است ، مسافرت با ترن بهتر نیست ؟
چرا ولی ما چمدان زیاد داریم بهتر است با اتومبیل برویم .

۱۰ ــ انشاءالله در این مسافرت بشما خوش بگذرد .
متشکرم ، خوب بود شما هم میتوانستید با ما بیائید .

D I A L O G U E F O R T Y - N I N E

(Translation)

1- What have you decided for the Christmas holidays?

We have decided to take a long trip.

2- In which direction do you plan to go?

We are planning to go south.

3- In the winter, is it easier to travel south?

Yes, because in the north it may snow.

4- Don't you like mountain and snow scenery?

Yes, I like it very much but driving in cold weather is difficult.

5- Are you taking your wife and children with you on this trip?

Of course I am taking my wife, but I am leaving the children with my mother-in-law in Raamsar.

6- Are your children happy about this?

Yes, because there they can play freely.

7- Do your children know how to swim?

Yes, very well but they only swim in a pool.

8- How many days will your trip take?

It will not take more than a couple of weeks.

9- During the holidays the roads are crowded, isn't traveling by train better?

Yes, but we have many suitcases and going by automobile will be better.

10- I hope you will have a nice trip.

Thank you, it would be nice if you could come with us.

GRAMMAR DRILL FORTY-NINE

۱ ــ امروز تعطیل دارید ؟
۲ ــ تعطیلات نوئل کجا میروید ؟
۳ ــ تعطیلات تابستان معمولاً چه میکنید ؟
٤ ــ در چه فصلی روزها طولانی است ؟
٥ ــ این جاده طولانی است ؟
٦ ــ مسافرت شما طولانی خواهد بود ؟
۷ــ وسایل مسافرت را تهیه کرده اید ؟
۸ ــ وسایل کارتان را حاضر کرده اید ؟
۹ ــ منزل شما کدام طرف شهر است ؟
۱۰ ــ شهر مانتری کدام طرف امریکا است ؟
۱۱ ــ روز تعطیل بکدام طرف میروید ؟
۱۲ ــ "فلوریدا" در جنوب امریکا است ؟
۱۳ ــ در این مسافرت بطرف شمال میروید یا جنوب ؟
۱٤ ــ "شیکاگو" در شمال امریکا است یا در جنوب ؟
۱٥ ــ جنوب امریکا گرمتر از شمال امریکا است ؟
۱٦ ــ منظره دریا را دوست دارید ؟
۱۷ ــ منظره منزل شما خوبست ؟
۱۸ ــ منظره کوهستان در زمستان چطور است ؟
۱۹ ــ رانندگی در کوهستان مشکل است ؟
۲۰ ــ رانندگی در شهر مشکل تر است یا در بیرون شهر ؟
۲۱ ــ مادر زن شما رانندگی بلد است ؟
۲۲ ــ مادر زنتان مشغول تهیه کردن وسایل مسافرت است ؟
۲۳ ــ در منزل میتوانستید آزادانه درس بخوانید ؟
۲٤ ــ بچه ها در مدرسه میتوانند آزادانه بازی کنند ؟
۲٥ ــ شما چه بازی را بیشتر از همه دوست دارید ؟

GRAMMAR DRILL FORTY-NINE

۲۶ ـ شما "بیس بال" دوست دارید ؟

۲۷ ـ بچه های شما روزی چند ساعت بازی میکنند ؟

۲۸ ـ شما بازی "گلف" بلدید ؟

۲۹ ـ شما جاده کارمل را خوب بلدید ؟

۳۰ ـ شما این شهر را خوب بلدید ؟

۳۱ ـ در منزل شما استخر هست ؟

۳۲ ـ آن هتل استخر دارد ؟

۳۳ ـ برای شنا استخر بهتر است یا دریا ؟

۳۴ ـ درست کردن شام چقدر طول میکشد ؟

۳۵ ـ این برنامه چقدر طول میکشد ؟

۳۶ ـ مسافرت شما چقدر طول کشید ؟

۳۷ ـ کارتان زیاد طول خواهد کشید ؟

۳۸ ـ جاده سانفرانسیسکو شلوغ است ؟

۳۹ ـ این جاده بکجا میرود ؟

۴۰ ـ آن جاده بکدام طرف میرود ؟

۴۱ ـ ترن شما چه ساعتی حرکت خواهد کرد ؟

۴۲ ـ با کدام ترن میروید ؟

۴۳ ـ تا بحال با ترن مسافرت کرده اید ؟

۴۴ ـ چمدان چرمی دارید ؟

۴۵ ـ چمدان شما جا زیاد دارد ؟

۴۶ ـ چمدان چرمی گرانتر است یا پارچه ای ؟

۴۷ ـ کی انشاءالله همدیگر را میبینیم ؟

۴۸ ـ کی انشاءالله بایران خواهید رفت ؟

۴۹ ـ انشاءالله که حال شما خوب است ؟

۵۰ ـ انشاءالله که حال خانم خوب است ؟

آقایِ اکبری و خانمش در تهران هستند. آقایِ اکبری معلّم است و در یکی از مدرسه هایِ تهران درس میدهد. آقایِ اکبری بخانم و بچّه هایش گفته است که برایِ تعطیل تابستان آنهارا به رامسر خواهد برد.

یک هفتهِ دیگر مدرسه ها تعطیل میشوند. خانمِ اکبری مشغولِ تهیه کردنِ وسایلِ مسافرت است. چون در فصلِ تابستان هوایِ تهران بسیار گرم میشود، خیال دارند بعد از اینکه مدرسه ها تعطیل شد بطرفِ رامسر بروند. در رامسر هوا زیاد گرم نیست و بچّها میتوانند آزادانه بازی کنند و ضمناً شنا هم یاد بگیرند.

READING FORTY-NINE

Questions on reading:

۱ ـ آقای اکبری و خانمش در کدام شهر هستند ؟

۲ ـ آقای اکبری چه نوع کاری میکند ؟

۳ ـ آقای اکبری خیال دارد برای تابستان به کجا برود ؟

٤ ـ آقای اکبری تنها میرود یا با خانم و بچه هایش؟

٥ ـ خانم اکبری مشغول چه کاری است ؟

٦ ـ در فصل تابستان هوای تهران چطور است ؟

۷ ـ در تابستان هوای رامسر چطور است ؟

۸ ـ پیش از اینکه مدرسه ها تعطیل شود به رامسر میروند یا بعد از آن ؟

۹ ـ بچه های اکبری شنا بلدند یا نه ؟

۱۰ ـ بچه های اکبری در کجا میخواهند شنا یاد بگیرند ؟

HOMEWORK FORTY-NINE

Use each of the following items in a sentence:

Example:

بِزودی : من بزودی به ایران خواهم رفت .

۱ ـ حُکم

۲ ـ خاوَرِ میانه

۳ ـ رَوادید

٤ ـ گُذَرنامهِ عادی

٥ ـ سِفارَت

٦ ـ کارمَند

۷ ـ کُنسولگَری

۸ ـ لَذت بُردَم

VOCABULARY FORTY-NINE

تَعطیلات	holidays
تَعطیلاتِ نوئِل	Noel (Christmas) Holidays
طولانی	long
طَرَف	side, direction
بِطَرَفِ	towards, in the direction of
جُنوب	south
شُمال	north
مَنظَره	view, landscape
کوهِستان	a mountainous (hilly) country
رانَندِگی	driving
مادَرِ زَن	mother-in-law
آزادانِه	freely
بازی	game, play
بازی‌کَردَن	to play
بَلَد بودَن	to know, to be acquainted with
اِستَخر	pool
طول کِشیدَن	to take, to last
زیاد طولِ نَخواهَد کشید	It will not take long
جادِه	road
تِرَن	train
چَمِدان	suit-case
اِنشاءالله	(May it) please God, if God will
وَسیلِه (وَسایِل)	means

LESSON FIFTY

رَد شُدَن

دیروز از جلوی کتابخانه رد شدید ؟
روزها از چه خیابانی رد میشوید ؟
هیچوقت از خیابان " نادری " رد شده اید ؟

بَستِه به

رفتن شما بایران بستِه به میل خودتان است ؟
خریدن خانه بستِه به تصمیم شما است ؟
فروختن خانه بستِه به تصمیم خانمتان خواهد بود ؟

میشَوَد رَفت ، میشَوَد گِرفت

بمنزل او میشَوَد رَفت ؟
حالا بدیدنِ ایشان میشَوَد رفت ؟
بآن کتابخانه میشَوَد رفت ؟
میشَوَد شماره تلفن او را گرفت ؟

بَخشیدَن ، بِبَخشید

بِبَخشید آقا ، شما کبریت دارید ؟
بِبَخشید ، شما آقای تهرانی هستید ؟
بِبَخشید آقا ، ساعت چند است ؟

سَوار شُدَن

صبحها سَوارِ چه اتوبوسی میشوید ؟
او هم با شما سوارِ اتوبوس شد ؟
شما هر روز خط ۸ را سوار میشوید ؟

LESSON 50

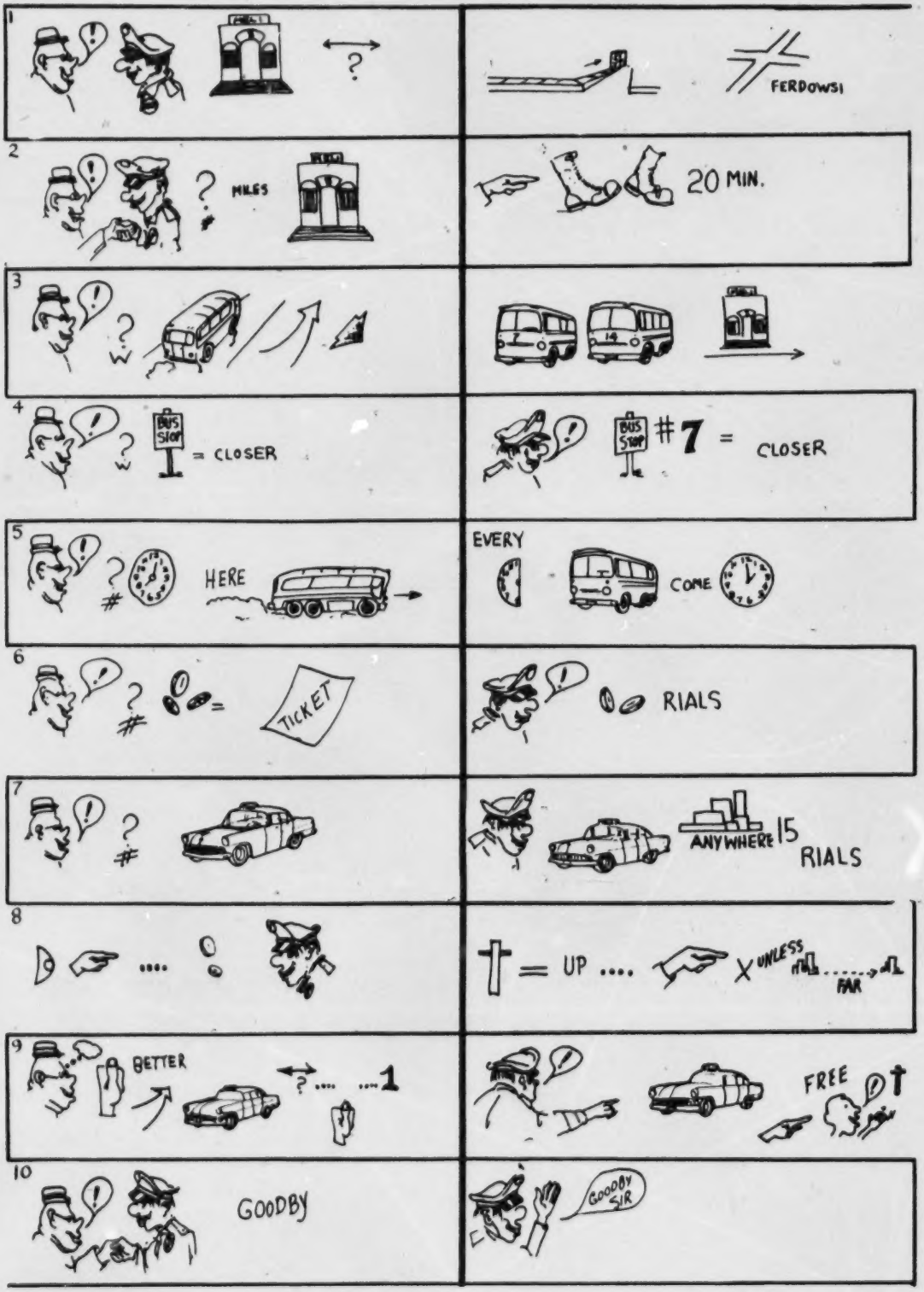
1
?
FERDOWSI
2
?
MILES
20 MIN.
3
4
BUS STOP
= CLOSER
BUS STOP
#7 = CLOSER
5
?
#
HERE
EVERY
COME
6
?
#
=
TICKET
RIALS
7
?
#
ANYWHERE 15 RIALS
8
....
= UP ....
X UNLESS
FAR
9
BETTER
? 1
FREE
10
GOODBY
GOODBY SIR

DIALOGUE FIFTY

۱ ـ ببخشید آقا ، ممکن است بفرمائید " بانك ملی " کجا است ؟
بانك در ضِ همین خیابان است نرسیده بچهار راه فردوسی .

۲ ـ خیلی متشکرم . از اینجا تا بانك چند دقیقه راه است ؟
اگر پیاده بروید بیست دقیقه طول میکشد .

۳ ـ کدام اتوبوس بآنجا میرود ؟
خط هفت و خط چهارده از جلوی بانك رد میشوند .

٤ ـ ممکن است بفرمائید ایستگاه کدام خط نزدیکتر است ؟
ایستگاه خط هفت نزدیکتر است و درست آنطرف خیابان است.

٥ ـ اتوبوس هر چند وقت یکمرتبه از اینجا رد میشود ؟
هر نیمساعت یکمرتبه . برای ساعت دو یك اتوبوس میرسد .

٦ ـ کرایه اتوبوس چقدر است ؟
کرایه اتوبوس دو ریال است .

۷ ـ کرایه تاکسی چقدر است ؟
کرایه تاکسی بهر قسمت شهر که بروید پانزده ریال است .

۸ ـ براننده تاکسی باید انعام داد ؟
این بسته بمیل شما است ، انعام لازم نیست ، مگر راه خیلی دور باشد .

۹ ـ خیال میکنم بهتر باشد با تاکسی بروم . از کجا میشود تاکسی گرفت.
اتفاقا آن تاکسی خالی است میتوانید آنرا صدا کنید .

۱۰ ـ خیلی از کمك شما متشکرم . خدا حافظ شما .
خدا حافظ آقا .

D I A L O G U E F I F T Y

Translation

1- Excuse me sir, would you tell me where the Bank Meli is?

The bank is at the end of this street, before you reach the Ferdowsi crossroads.

2- Thank you very much. How far is the bank from here?

If you walk, it will take twenty minutes.

3- Which bus goes there?

Bus number seven and bus number fourteen pass in front of the bank.

4- Would you tell me which of the bus stops is closer?

The bus stop for bus number seven is closer; it is on the other side of the street.

5- How often does the bus pass by here?

Every half hour. There will be a bus at two o'clock.

6- How much is the bus fare?

The bus fare is two rials.

7- How much is the cab fare?

A taxi will take you to any part of town for fifteen rials.

8- Do you have to tip the taxi driver?

It depends on you. A tip is not necessary unless you are going very far.

9- I think it would be better if I go by taxi. Where can I get one?

That taxi is free, you can call it.

10- Thank you very much for your help. Goodbye.

Goodbye sir.

GRAMMAR DRILL FIFTY

۱ ـ ایشان هر روز سوار اتوبوس‌میشوند ؟
۲ ـ برای‌آمدن بمدرسه چه خطی را سوار میشوید ؟
۳ ـ چرا اتوبوس‌سوار نشدید ؟
٤ ـ معمولا چه ساعتی ایستگاههای‌اتوبوس‌شلوغند ؟
٥ ـ تا بحال در مانتری‌اتوبوس‌سوار شده‌اید ؟
٦ ـ براننده اتوبوس‌انعام میدهند ؟
۷ ـ او کی سوار اتوبوس‌شد ؟
۸ ـ نزدیکترین ایستگاه اتوبوس‌کجا است ؟
۹ ـ ببخشید آقا ، این ایستگاه چه خطی است ؟
۱۰ ـ از جلوی‌منزلتان چه اتوبوسی رد میشود ؟
۱۱ ـ هر چند وقت یکمرتبه رد میشود ؟
۱۲ ـ ببخشید ، این اتوبوس‌خط چند است ؟
۱۳ ـ اتوبوس‌خط ٤ از چه راههائی میرود ؟
۱٤ ـ این اتوبوس‌از کدام چهار راه میگذرد ؟
۱٥ ـ این اتوبوس‌به چه خیابانهائی میرود ؟
۱٦ ـ این اتوبوس‌از جلوی‌منزل شما رد میشود ؟
۱۷ ـ از خیابان "لاله زار" باید رد بشویم ؟
۱۸ ـ از چهار راه فردوسی چطور ؟
۱۹ ـ در قسمتِ پائینِ شهر اتوبوس‌بیشتر است ؟
۲۰ ـ منزل شما در قسمتِ بالای شهر است ؟
۲۱ ـ ممکن است بفرمائید منزل شما کجاست ؟
۲۲ ـ منزل دوستتان هم در همان خیابان است ؟
۲۳ ـ بانکِ ملی نرسیده بچهار راه است ؟
۲٤ ـ خیال میکنید که بانک ملی باز باشد ؟
۲٥ ـ خیال نمیکنید که بانک باز باشد ؟

GRAMMAR DRILL FIFTY

۲۶ ـ از مدرسه تا بانك چند دقیقه راه است ؟

۲۷ ـ اگر پیاده بروید چقدر راه است ؟

۲۸ ـ با اتوبوس چند دقیقه راه است ؟

۲۹ ـ ببخشید آقا، کرایه اتوبوس چقدر است ؟

۳۰ ـ ببخشید آقا کرایه تاکسی چقدر است ؟

۳۱ ـ تاکسی خالی در این شهر زیاد است ؟

۳۲ ـ از کجا میشود تاکسی گرفت ؟

۳۳ ـ در این شهر بآسانی میشود تاکسی گرفت ؟

۳۴ ـ بهر قسمت شهر میشود با تاکسی رفت ؟

۳۵ ـ با اتوبوس هم میشود رفت ؟

۳۶ ـ او چرا تاکسی سوار نمیشود ؟

۳۷ ـ میل دارد اتوبوس سوار شود ؟

۳۸ ـ کی برای او تاکسی صدا کرد ؟

۳۹ ـ او با تاکسی بمدرسه آمد ؟

۴۰ ـ از کجا تاکسی گرفت ؟

۴۱ ـ براننده تاکسی انعام داد ؟

۴۲ ـ او باید براننده تاکسی انعام بدهد ؟

۴۳ ـ اینکار بسته بمیل شماست ؟

۴۴ ـ در رستوران به پیشخدمت انعام میدهید ؟

۴۵ ـ باید انعام بدهید ؟

۴۶ ـ دادن انعام بسته بمیل شما است ؟

۴۷ ـ چقدر باو انعام دادید ؟

۴۸ ـ برای رفتن بشهر تاکسی سوار میشوید یا اتوبوس ؟

۴۹ ـ دیشب تاکسی سوار شدید یا اتوبوس ؟

۵۰ ـ اگر تاکسی سوار شوید چقدر باید کرایه بدهید ؟

دیشب میخواستم بسینما بروم ولی چون اتومبیلم را خانمم لازم داشت
تصمیم گرفتم که اتوبوس سوار بشوم. از جلوی منزلِ ما اتوبوس رد نمیشود
و تا سرِ چهار راه پیاده رفتم. در حدودِ نیم ساعت طول کشید تا اتوبوسِ
خطِ ۴ رسید و من سوارِ اتوبوس شدم. میخواستم تاکسی سوار بشوم
ولی هیچ تاکسیِ خالی از جلویِ من رد نشد. اتوبوسی را که سوار شده بودم
نمیدانستم از چه خیابانهائی میگذرد، از رانندهٔ اتوبوس سئوال کردم و او بمن
خیلی کمک کرد. میخواستم باو انعام بدهم ولی او بمن گفت که انعام لازم
نیست و شما بهتر است اول کرایه تان را بدهید.

READING FIFTY

Questions on reading:

۱ ـ دیشب کجا میخواستید بروید ؟

۲ ـ چرا اتومبیلتان را سوار نشدید ؟

۳ ـ از جلوی منزلتان اتوبوس رد میشود ؟

٤ ـ تا کجا پیاده رفتید ؟

٥ ـ چقدر طول کشید تا اتوبوس رسید ؟

٦ ـ اتوبوس خط چند را سوار شدید ؟

۷ ـ چرا تاکسی سوار نشدید ؟

۸ ـ چرا از راننده اتوبوس سؤال کردید ؟

۹ ـ میخواستید باو انعام بدهید ؟

۱۰ ـ راننده اتوبوس چه گفت ؟

HOMEWORK FIFTY

Read the following sentences carefully, and change the verbs into the negative form of the future tense.

Example:

او بسینما رفت .
او بسینما نخواهد رفت .

۱ ـ او بطرف جنوب مسافرت کرد .

۲ ـ بچه ها در استخر آزادانه بازی کردند .

۳ ـ مسافرت مادر زنم زیاد طول کشید .

٤ ـ او در سش را بلد بود .

٥ ـ من بطرف شمال مسافرت کردم .

٦ ـ ما بوسیله ترن به نیویورك رفتیم .

۷ ـ رانندگی در آن جاده مشکل بود ؟

۸ ـ مسافرت ایشان طولانی شد .

VOCABULARY FIFTY

بَخشیدَن (بخش)	to forgive, to excuse, to pardon
بَبَخشید	pardon me, excuse me
بانکِ ملّی	Bank Meli
تَه	bottom, end
چهار راه	crossroads
نَرسیده بِه چهار راه	before reaching the crossroads
راه	way, road
خَطِ اتوبوس ـ خط ٤	bus line - bus no. 4
ایستگاهِ اتوبوس	bus stop
رَد شُدَن	to pass, to pass through
تاکسی	taxi
کرایهِ تاکسی	cab fare
کرایهِ اُتوبوس	bus fare
سَوار شُدَن	to ride
قِسمَت	part
رانَنده	driver
بَستِه بِه	depends on
بَستِه بِمیلِ شما است	as you wish, (it depends on you)
اَنعام	tip
اَنعام دادَن	to tip
خالی	empty, vacant, free
ریال	Unit of Persian money

LESSON FIFTY-ONE

واقع شُدَن

تهران در شمال ایران واقع شده است .
رستوران کارمل در شهر کارمل واقع شده است .
مدرسه زبان ارتش در چه شهری واقع شده است ؟
مانتری در شمال کالیفرنیا واقع شده است ؟

شُمال - شُمالی ، جُنوب - جُنوبی

مانتری در شمالِ کالیفرنیا است ؟
مانتری از شهرهایِ شمالی کالیفرنیا است ؟
تصمیم دارید بجنوب امریکا مسافرت کنید ؟
از شهرهای جنوبیِ امریکا خوشتان میآید ؟
میل دارید شمالِ ایران را به بینید ؟
همه شهرهایِ شمالیِ کالیفرنیا را دیده اید ؟

مُطابق بودَن

۲۲ مارس مطابق با اول فروردین است .
ماههای امریکائی مطابق با ماههای اروپائی است .

PERCEPTION DRILL FIFTY-ONE

چه روزی مُطابق با اول فروردین است ؟

ماههای ایرانی مُطابق با ماههای امریکائی است ؟

سال ایرانی مُطابق با سال اروپائی است ؟

LESSON 51

1

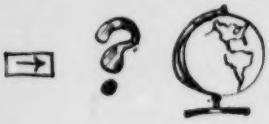

IRAN = ASIA

2

3

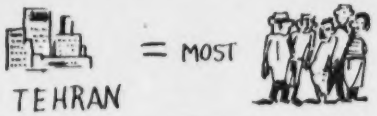

4

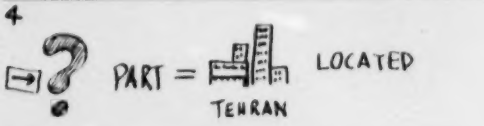

5

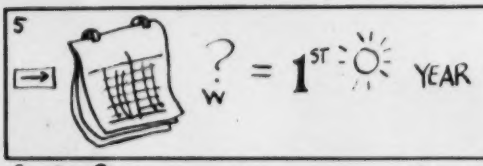

6

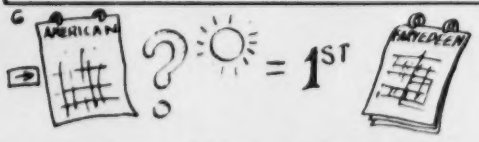

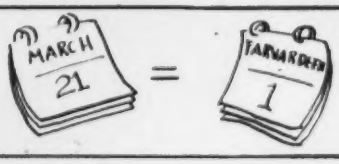

7

8

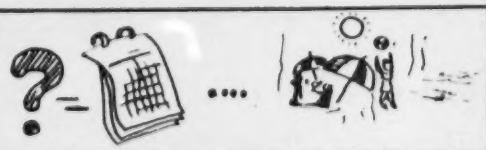

9

10

DIALOGUE FIFTY-ONE

۱ ـ ایران در کدام قاره واقع شده است ؟
ایران در قاره آسیا واقع شده است .

۲ ـ جمعیت ایران چقدر است ؟
جمعیت ایران در حدود ۲۰ ملیون است .

۳ ـ پر جمعیت ترین شهر ایران کدام است ؟
تهران پر جمعیت ترین شهر ایران است .

٤ ـ تهران در کدام قسمت ایران واقع شده است ؟
در قسمت شمالی در دامنه کوه البرز واقع شده است .

٥ ـ در تقویم ایرانی کی روزِ اولِ سال است ؟
اول فروردین روزِ اولِ سال است .

٦ ـ در تقویم امریکائی چه روزی مطابق با اولِ فروردین است ؟
۲۱ مارس مطابق با اولِ فروردین است .

۷ ـ چه ماههائی در فصلِ بهار است ؟
فروردین ، اردیبهشت ، و خرداد در فصلِ بهار است .

۸ ـ چه ماههائی در فصلِ تابستان است ؟
تیر ، مرداد ، و شهریور در فصلِ تابستان است .

۹ ـ چه ماههائی در فصل پائیز است ؟
مهر ، آبان و آذر در فصلِ پائیز است .

۱۰ ـ چه ماههائی در فصلِ زمستان است ؟
دی ، بهمن ، و اسفند در فصلِ زمستان است .

D I A L O G U E F I F T Y - O N E

Translation

1- In what continent is Iran located?

Iran is located in the continent of Asia.

2- What is the population of Iran?

The population of Iran is about twenty millions.

3- Which is the most populous city in Iran?

Tehran is the most populous city in Iran.

4- In what part of Iran is Tehran located?

It is located in the northern part, on the slopes of the Alborz mountains.

5- In the Iranian Calendar, which is the first day of the year?

The first day of Farvardeen is the first day of the year.

6- In the American Calendar, what day coincides with the beginning of Farvardeen?

21st of March coincides with the beginning of Farvardeen.

7- What are the months of spring?

The months of spring are Farvardeen, Ordibehesht, and Khordaad.

8- What are the months of summer?

The months of summer are Teer, Mordaad, and Shahreevar.

9- What are the months of autumn?

Mehr, Aabaan, and Aazar are the months of autumn.

10- What are the months of winter?

Day, Bahman, and Esfand are the months of winter.

GRAMMAR DRILL FIFTY-ONE

۱ ـ ایران در قارهٔ آسیا واقع شده است ؟
۲ ـ فرانسه در قارهٔ اروپا واقع شده است ؟
۳ ـ تهران در قسمتِ شمالی ایران واقع شده است .
٤ ـ مانتری در کدام قسمتِ کالیفرنیا واقع شده است ؟
٥ ـ جمعیت مانتری چقدر است ؟
٦ ـ جمعیت پایتخت ایران چقدر است ؟
۷ ـ جمعیت امریکا چند ملیون است ؟
۸ ـ پر جمعیت ترین شهرهای امریکا کدام است ؟
۹ ـ کارمل پر جمعیت تر است یا مانتری ؟
۱۰ ـ شهر کارمل نزدیك دریا واقع شده است ؟
۱۱ ـ ایران در کدام قاره واقع شده است ؟
۱۲ ـ کوهِ البرز کجا واقع شده است ؟
۱۳ ـ در دامنه کوه البرز چه شهری واقع شده است ؟
۱٤ ـ تهران در دامنه کوه البرز است ؟
۱٥ ـ کوه البرز در کدام قسمت ایران است ؟
۱٦ ـ کوه البرز در قسمتِ شمالیِ ایران است ؟
۱۷ ـ چه کوهی در قسمت شمالی ایران است ؟
۱۸ ـ این شهر در دامنه کوه واقع شده است .
۱۹ ـ تهران در قسمتِ شمالیِ ایران واقع شده است ؟
۲۰ ـ میل دارید شمالِ ایران را به بینید ؟
۲۱ ـ همهٔ شهرهایِ شمالیِ کالیفرنیا را دیده اید ؟
۲۲ ـ شهرهایِ جنوبیِ امریکا را چطور ؟
۲۳ ـ مانتری از شهرهای شمالی کالیفرنیا است ؟
۲٤ ـ تصمیم دارید بجنوب امریکا مسافرت کنید ؟
۲٥ ـ در تقویم امریکائی چه روزی مطابق با اول فروردین است ؟

GRAMMAR DRILL FIFTY-ONE

۲۶ ـ اردیبهشت در چه فصلی است ؟

۲۷ ـ خرداد در چه فصلی است ؟

۲۸ ـ ماههای فصل پائیز را بشمارید .

۲۹ ـ ماههای فصل زمستان را بشمارید .

۳۰ ـ هوا در چه ماههائی گرم میشود ؟

۳۱ ـ هوا در چه ماههائی سرد میشود ؟

۳۲ ـ بیشتر در چه ماههائی باران میآید ؟

۳۳ ـ در تقویم ایرانی ماه اسفند ماه آخر سال است ؟

۳۴ ـ در تقویم امریکائی چه ماهی مطابق با ماه اردیبهشت است ؟

۳۵ ـ در تقویم ایرانی چه روزی مطابق با ۲۱ مارس است ؟

۳۶ ـ در تقویم امریکائی چه روزی مطابق با اول فروردین است ؟

۳۷ ـ ماههای ایرانی مطابق با ماههای امریکائی است ؟

۳۸ ـ در ماه فروردین هوا ملایم است ؟

۳۹ ـ خرداد ماه آخر فصل بهار است ؟

۴۰ ـ ماه شهریور در فصل تابستان است ؟

۴۱ ـ ماه آذر در فصل پائیز است ؟

۴۲ ـ ماه دی در فصل زمستان است ؟

۴۳ ـ سال ایرانیها کی شروع میشود ؟

۴۴ ـ دهم دی مطابق با اول ژانویه* است ؟

۴۵ ـ ژانویه مطابق با چه ماه ایرانی است ؟

۴۶ ـ ماه تیر در کدام فصل است ؟

۴۷ ـ ماه مرداد در فصل تابستان است ؟

۴۸ ـ مهر و آبان از ماههای پائیزند ؟

۴۹ ـ در بهمن برف و باران زیاد میآید ؟

۵۰ ـ تقویم ایرانی چند ماه دارد ؟

* ژانویه : January

تهران پایتختِ ایران است و در قسمتِ شمالیِ این کشور واقع شده است.
تهران پرجمعیت ترین شهرِ ایران است و جمعیّت آن تقریباً به دو ملیون نفر میرسد.
آب و هوایِ تهران در ماههایِ فروردین و اردیبهشت ملایم است ولی در ماهِ
مرداد بسیار گرم میشود. در فصلِ پائیز در تهران منظرهِ درختان* بسیار زیبا
است. در زمستان در ماههایِ دی و بهمن، هوایِ تهران زیاد سرد
میشود و گاهی برف هم میآید.
رویهمرفته چون این شهر در دامنهِ کوهِ البرز واقع شده منظرهِ زیبائی دارد

* درختان : trees

READING FIFTY-ONE

Questions on reading:

۱ ـ پایتخت ایران کدام شهر است ؟

۲ ـ تهران در کدام قسمت واقع شده است ؟

۳ ـ پر جمعیت ترین شهر ایران کدام است ؟

٤ ـ جمعیت شهر تهران چقدر است ؟

٥ ـ در ماههای فروردین و اردیبهشت هوا چطور است ؟

٦ ـ در چه ماهی هوای تهران زیاد گرم میشود ؟

۷ ـ در چه ماهی منظره درختان در تهران زیبا میشود ؟

۸ ـ در ماههای دی و بهمن هوا چطور است ؟

۹ ـ در تهران برف میآید ؟

۱۰ ـ تهران در دامنه چه کوهی واقع شده است ؟

HOMEWORK FIFTY-ONE

Use each of the following items in a sentence:

Example:

بانکِ ملّی : دیروز به بانک ملی رفتم .

۱ ـ رَد شُدَم

۲ ـ چهار راه

۳ ـ نَرِسیدِه بِه چهار راه

٤ ـ سوار شدم

٥ ـ کِرایِه تاکسی

٦ ـ اَنعام دادَم

۷ ـ ایستگاهِ اُتوبوس

۸ ـ بِبَخشید

VOCABULARY FIFTY-ONE

قارِه	continent
آسیا	Asia
واقِع شُدَن	to be located, to be situated
جَمعیَت ، پُر جَمعیَت	population , populous
مِلیون	million
قِسمَتِ شُمالی	northern part
دامَنه	slope, side
کوه	mountain
کوهِ اَلبُرز	Alborz mountain
تَقویم	calendar
تقویمِ ایرانی	Persian Calendar
مطابِق بودَن	to coincide
فَروَردین	1st month of spring *
اُردیبِهِشت	2nd month of spring
خُرداد	3rd month of spring
تیر	1st month of summer
مُرداد	2nd month of summer
شَهریوَر	3rd month of summer
مِهر	1st month of autumn
آبان	2nd month of autumn
آذَر	3rd month of autumn
دِی	1st month of winter
بَهمَن	2nd month of winter
اِسفَند	3rd month of winter

* The beginning of this month coincides (usually) with the 21st of March in Gregorian Calendar.

مارس March

LESSON FIFTY-TWO

عقیده ، بعقیدهٔ من

شهر مانتری زیباست ، عقیده شما چیست ؟
بعقیده شما زبان فارسی آسان است ؟
بعقیده او تلفظ انگلیسی من خوبست ؟

سبك ، به سبك

سبك بناهای تهران امریکائی است ؟
همه معلم ها بیك سبك درس میدهند ؟
در ایران رستورانها بسبك اروپائیست ؟

ساختن (ساز) ، ساخته شدن

شما دارید منزل میسازید ؟
ساختن منزل در این شهر گران است ؟
مدرسه زبان ارتش چه سالی ساخته شده است ؟

موافق بودن

موافقید که با هم بگردش برویم ؟
چرا او با رفتن بسینما موافق نبود ؟
شما با کمك کردن باو موافق بودید ؟

PERCEPTION DRILL-FIFTY-TWO

خَرج کَردَن

دیشب چقدر خرج کردید ؟
هفته ای چقدر خرج میکنید ؟
همه پولش را خرج کرده است ؟

LESSON 52

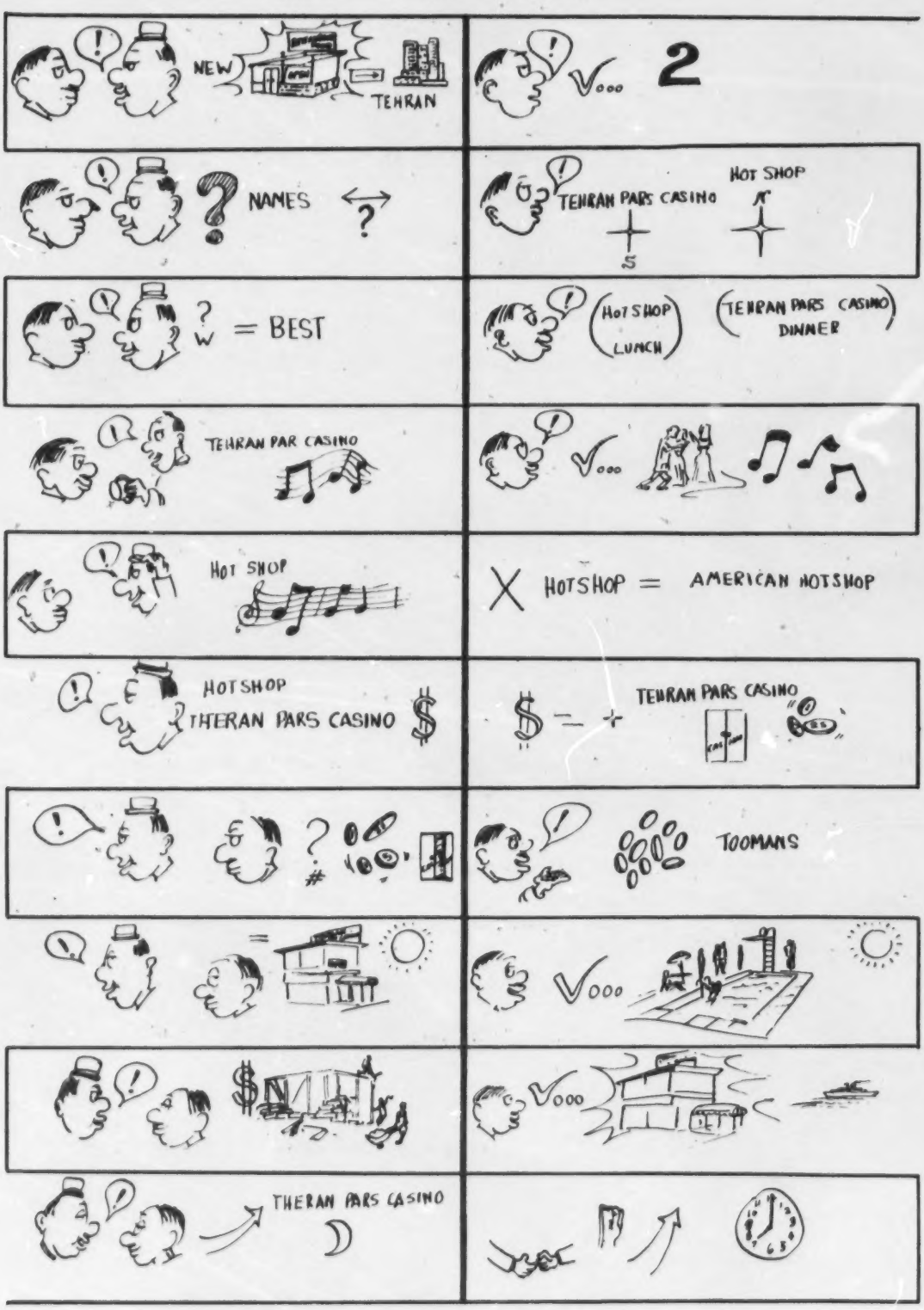
NEW
TEHRAN
2
NAMES
TEHRAN PARS CASINO
HOT SHOP
5
= BEST
(HOT SHOP LUNCH)
(TEHRAN PARS CASINO DINNER)
TEHRAN PAR CASINO
HOT SHOP
HOTSHOP = AMERICAN HOTSHOP
HOTSHOP
THERAN PARS CASINO
TEHRAN PARS CASINO
TOOMANS
THERAN PARS CASINO

DIALOGUE FIFTY-TWO

۱ ــ در تهران اخیرا رستوران تازه باز نشده است ؟
چرا ، اخیراً دو رستوران درجه اول باز شده است .

۲ ــ اسم آنها چیست و در کجا واقع شده اند ؟
یکی "کازینوی تهران پارس" است در جنوب و دیگری "هات شاپ" است در شمال .

۳ ــ بعقیده شما کدامیك از آنها بهتر است ؟
بعقیده من ، "هات شاپ" برای نهار بهتر است و "کازینو" برای شام .

٤ ــ "کازینوی تهران پارس" موزیك دارد ؟
بله ، موزیكِ رقصِ بسیار خوبی دارد .

٥ ــ "هات شاپ" هم موزیك دارد ؟
نه موزیك ندارد و بسبك رستورانهای امریکائی ساخته شده است .

٦ ــ قیمت غذاهایشان چطور است ؟
قیمت غذاهایشان مناسب است فقط در کازینو باید ورودیه داد .

۷ ــ چقدر باید ورودیه داد ؟
نفری ده تومان باید ورودیه داد .

۸ ــ این رستوران روزها هم باز است ؟
بله و چون استخر زیبائی دارد روزها بیشتر شلوغ میشود .

۹ ــ برای ساختمان آن زیاد خرج کرده اند ؟
بله و ساختمان آن زیبا و از دور مثل کشتی است .

۱۰ ــ چطور است امشب بآنجا برویم ؟
موافقم ، ساعت هفت با هم بآنجا میرویم .

D I A L O G U E F I F T Y - T W O

Translation

1- Have any new restaurants been opened in Tehran recently?

Yes, two first-class restaurants have recently been opened.

2- What are their names and where are they located?

One is "The Tehran Pars Casino" in the south and the other is "The Hot Shop" in the north.

3- In your opinion, which one is better?

In my opinion, "The Hot Shop" is better for lunch and "The Casino" is better for dinner.

4- Does "The Tehran Pars Casino" have music?

Yes, it has very good dance music.

5- Does "The Hot Shop" have music too?

No, it doesn't have music. It is made in the style of American restaurants.

6- How are their prices?

Their prices are reasonable; only in the "Casino" one must pay an entry charge.

7- How much must one pay for entry?

Ten toomans per person.

8- Is this restaurant open in the day time too?

Yes, since it has a beautiful pool, it gets more crowded in the day time.

9- Have they spent a lot on the building?

Yes, the building is beautiful; it looks like a ship from a distance.

10- How about going there tonight?

I agree (fine), we will go there together at seven o'clock.

GRAMMAR DRILL FIFTY-TWO

۱ ـ اخیرا از مادرتان دیدن کرده اید ؟
۲ ـ اخیرا از اروپا بر گشته است ؟
۳ ـ اخیرا تهران پارس را دیده اید ؟
٤ ـ کازینوی تهران پارس را هم دیده اید ؟
٥ ـ رستوران هات شاپ تازه باز شده است ؟
٦ ـ در چند رستوران درجه اول بوده اید ؟
۷ ـ بعقیده شما غذای این رستوران چطور است ؟
۸ ـ بعقیده شما آب و هوای مانتری خوب است ؟
۹ ـ بعقیده او آب و هوای مانتری چطور است ؟
۱۰ ـ بعقیده ایشان موزیك ایرانی خوب است ؟
۱۱ ـ شما تا بحال موزیك ایرانی شنیده اید ؟
۱۲ ـ او همیشه با شما موافق است ؟
۱۳ ـ شما با من موافقید ؟
۱٤ ـ عقیده شما با عقیده من یکی است ؟
۱٥ ـ چرا با او موافق نیستید ؟
۱٦ ـ موافقید با هم نهار بخوریم ؟
۱۷ ـ موافقید باو انعام بدهیم ؟
۱۸ ـ چقدر باو انعام دادید ؟
۱۹ ـ چقدر مایلید خرج کنیم ؟
۲۰ ـ شما پول غذا را دادید ؟
۲۱ ـ موافقید من پول غذا را بدهم ؟
۲۲ ـ خیال میکنید مخارجمان چقدر شده باشد ؟
۲۳ ـ معمولا ماهی چقدر خرج میکنید ؟
۲٤ ـ چرا اینقدر خرج میکنید ؟
۲٥ ـ ماهی چقدر باید خرج کرد ؟

GRAMMAR DRILL FIFTY-TWO

۲۶ ـ منزلتان چه سالی ساخته شده است ؟
۲۷ ـ منزلتان نزدیك کازینوی تهران پارس است ؟
۲۸ ـ در استخر این کازینو شنا کرده اید ؟
۲۹ ـ چقدر ورودیه دادید ؟
۳۰ ـ ساختمان این رستوران زیباست ؟
۳۱ ـ قیمت غذاهای این رستوران مناسب است ؟
۳۲ ـ ورودیه این رستوران مناسب است ؟
۳۳ ـ چرا ورودیه میگیرند ؟
۳۴ ـ این رستوران موزیك رقص دارد ؟
۳۵ ـ شما رقص بلدید ؟
۳۶ ـ این رستوران کی ساخته شده است ؟
۳۷ ـ برای ساختن آن خیلی خرج کرده اند ؟
۳۸ ـ این رستوران بسبك اروپائی ساخته شده است ؟
۳۹ ـ شما از سبك اروپائی خوشتان میآید ؟
۴۰ ـ ساختمان منزل شما بسبك اروپائی است ؟
۴۱ ـ منزل های این شهر بیك سبك ساخته شده است ؟
۴۲ ـ از چه سبکی بیشتر خوشتان میآید ؟
۴۳ ـ بعقیده شما کدام سبك بهتر است ؟
۴۴ ـ سبك درس دادن من خوب است ؟
۴۵ ـ او بسبك دیگری درس میدهد ؟
۴۶ ـ سوال دیگری هم دارید ؟
۴۷ ـ دیگر چه میخواهید ؟
۴۸ ـ دیگر چیزی نمیخواهید ؟
۴۹ ـ دیگر شما را نخواهیم دید ؟
۵۰ ـ چیز دیگری نگفت ؟

تقریباً یکماه است که کازینوی تهران پارس بازشده است . این رستوران درجنوب تهران واقع شده است واستخر بزرگ وبسیار زیبائی دارد .

ساختمان این کازینو از بیرون سفیدرنگ ومثل کشتی است . روزها مردم برای شنا وصرف ناهار بآنجا میروند . درروزها خانمها نفری هفت تومان و آقایان نفری ۱۲ تومان ورودیه باید بدهند . شبها موزیک رقص هم دارد واز هرنفرده تومان ورودیه میگیرند .

دراین رستوران غذاهای فرانسوی دارند وقیمت آن هم نسبتاً مناسب است . رویهمرفته کازینوی تهران پارس درتابستان بهترین جا برای تفریح وشنا است .

READING FIFTY-TWO

Questions on reading:

۱ ـ کازینوی تهران پارس چند وقت است که باز شده است ؟

۲ ـ کازینو در کجا واقع شده است ؟

۳ ـ استخر دارد یا نه ؟

٤ ـ ساختمان آن چه رنگ است ؟

٥ ـ در روز ، خانمها چقدر ورودیه میدهند ؟

٦ ـ در روز آقایان چقدر ورودیه میدهند ؟

۷ ـ شبها هم باید ورودیه داد ؟

۸ ـ غذای این رستوران چطور است ؟

۹ ـ غذای این رستوران فرانسوی است یا ایرانی ؟

۱۰ ـ در آنجا میشود شنا کرد ؟

HOMEWORK FIFTY-TWO

Use each of the following items in a sentence:

Example:

تهران : تهران پایتخت ایران است .

۱ ـ جَمعیَت

۲ ـ تَقویمِ ایرانی

۳ ـ قِسمَتِ شُمالی

٤ ـ کوهِ اَلبُرز

٥ ـ فَروَردین

٦ ـ مُرداد

۷ ـ واقِع شُدِه است

۸ ـ مُطابق است

VOCABULARY FIFTY-TWO

اخیراً	recently, lately
درجه اوّل	first class
عقیده	opinion
بعقیده من	in my opinion
دیگری	the other one
کازینو	casino
تهران پارس	a new city built in the suburbs of Tehran
موزیك	music
رقص	dance
سبك (بسبك)	style (in the style of), method
ساختن (ساز)	to build
ساخته شدن	to be built
مناسب	reasonable
ورودیه	entrance fee
ده دلار ورودیه دادم	I paid ten dollars entrance fee
ساختمان	building, construction
خرج (مخارج)	expense (s), expenditure (s)
خرج کردن	to spend
من دیروز هزار ریال خرج کردم	I spent 1000 rials yesterday
موافق بودن	to agree with, to consent to
من با او موافقم.	I agree with him.
تومان	Persian money, equals ten rials
فرانسوی	French